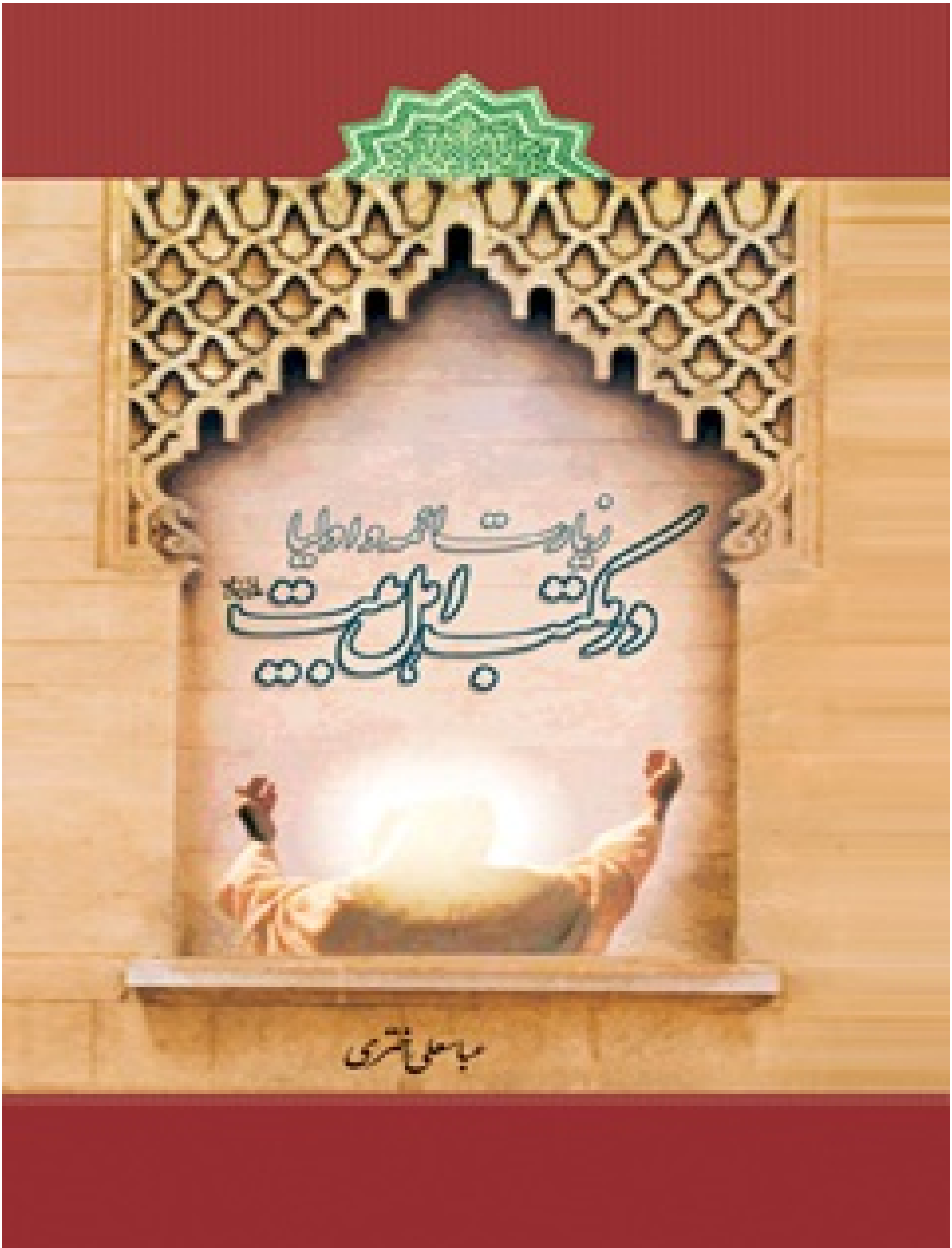

زیارت ائمہ و اولیا
در مکتب اہل بیت

بسم الله الرحمن الرحیم

زیارت ائمه و اولیاء در مکتب اهل بیت علیهم السلام

نویسنده:

عباس علی اختری

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زیارت ائمه و اولیاء در مکتب اهل بیت علیهم السلام

مشخصات کتاب

شابک : ۶۵۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۲۷-۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۶۰۸۲۳

عنوان و نام پدیدآور : زیارت ائمه و اولیا در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام/عباسعلی اختری.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.؛۲۱ × ۱۲س‌م.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : زیارت -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها.

موضوع : زیارت -- فلسفه.

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶

رده بندی کنگره : BP۲۶۲/الف۳۳ز۹ ۱۳۸۷

سرشناسه : اختری، عباسعلی، ۱۳۱۷ -

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

مقدّمه

کمال‌طلبی و رشد معنوی، آرمانی است که هر کس به تناسب فراز و فرود همّت خود آن را دنبال می کند. بی‌تردید اوّلین شرط پای نهادن در این وادی، بهره گیری از هدایت پاکان و شناخت الگوهای کمال و فضیلت برای اقتدا است.

طیّ این مرحله بی همرهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی

ذات اقدس متعال که خود کمال و جمال مطلق است، و جمال و کمال را دوست می‌دارد، بر اساس رحمت و رأفت خویش، با فرستادن کتاب آسمانی، بهترین آیین زندگی را در اختیار انسان نهاده، و در پرتو همان تعالیم متعالی، بهترین انسان‌های برگزیده خود را به عنوان «الگوهای کمال» به بشریت معرّفی نموده است.

چنانکه در قرآن می‌فرماید:

«البته برای شما الگو و نمونه‌ای نیکو در وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله است، برای آنانکه امیدوار ملاقات خدا و فرارسیدن روز واپسین هستند و

ص: ۸

بسیار خدا را یاد می‌کنند.» (۱) پیامبر بزرگوار و دلسوز و مهربان در طول بیست و سه سال رسالت خود، نهایت خیرخواهی را برای مردم و پیروان خود انجام داد و همه عوامل رشد و سقوط را بیان کرد.

و به اقتضای حکم عقل و شرع، علمداران امّت اسلامی را برای بعد از خودش، به امر پروردگار که در قرآن نیز آمده است، طبق ده‌ها روایت معتبر، همگام اشارات قرآن معرّفی فرمود و تکلیف امّت را روشن ساخت که آیین درخشان اسلام را از «کتاب و عترت» دریافت کنند تا هرگز گمراه نشوند.

و برای حفظ این سرمایه حیات و حرکت، به امر حق، محبّت و مودّت آنان را پاداش رسالت و زیارت آن «عباد مکرمون» (۲) را در ردیف زیارت خود، مانند زیارت خدای در عرش اعلام فرمود.

لیکن با این همه، مدّعیانی که دست غیب بر سینه نامحرمشان زده است و اهل تماشای راز نیستند، کوردلانی که از معرفت حقیقت قرآن بازمانده‌اند، با گرایش‌های ظلمانی وهّابی، در جهت بازداری مردم از اهل بیت که معرفتشان راه رسیدن به خداست (۳)، محبّت و مودّت و زیارت

۱- احزاب: ۲۱

۲- تعبیر آیه ۲۶ سوره انبیا که در زیارات نیز آمده است.

۳- مضمون آیه ۵۷ سوره فرقان.

ص: ۹

ائمّه معصومین علیهم السلام را مورد تعرّض قرار داده و در جزوه و یا کتاب‌هایی که با نام مستعار و مجهول پخش می‌کنند، این عبادت بزرگ را شرک و انحراف نامیده و سخنان بی اساسی را گفته‌اند. در حالی که زیارت اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله در فرهنگ دین، عامل وصلت با آن حضرت و تجدید میثاق با امامت و راه کسب کمال و طهارت و وفای به عهد اطاعت نامیده شده و تا حدّ واجب کفایی مورد تأکید قرار گرفته است.

کتابی که پیش روی شماست، در جهت پاسخ‌گویی به آن سخنان ناصواب و ارائه جایگاه صحیح زیارت به طور اختصار تنظیم شده است. امید آن که دعای خیر دوستان اهل بیت علیهم السلام ما را شامل گردد و مورد قبول صاحب شریعت و درگاه احدیّت قرار گیرد.

عباسعلی اختری

تهران

۲۱/ ۲/ ۱۳۸۷

ص: ۱۰

ص: ۱۱

معرفت اولیا و زیارت

اشاره

یکی از معیارهای فضیلت، معرفت اهل فضل و محبت به آنان و گرایش و پیوستگی با آنان است؛ چرا که اهل فضل‌اند که فضیلت را می‌شناسند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّمَا یَعْرِفُ الْفَضْلَ لِأَهْلِ الْفَضْلِ اولوا الْفَضْل». (۱)

«همانا فضیلت اهل فضل را کسانی می‌شناسند که خود نیز دارای فضل‌اند.»

معرفت اهل فضائل، مقدمه محبت و مودّت آنان است. و به حکم عقل و شرع هر کس هر چه را دوست داشته باشد، به آن متصل می‌شود و با آن محشور می گردد.

همچنین آن حضرت فرموده:

«مَعْرِفَةُ الْعَالِمِ دِینٌ یُدَانُ بِهِ یَکْسِبُهُ(یُکْسِبُهُ) الطَّاعَةَ فِی حَیَاتِهِ وَ جَمِیلَ الْأُحْدُوثَةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ».

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۱۸۵۳.

ص: ۱۲

«معرفت به عالِم، دین و آئینی است که پـذیرفته می‌شود، با این معرفت انسان در زنـدگی هم راه طاعت را می‌آموزد، و هم کار نیکو برای بعد وفاتش می‌اندوزد.» (۱) به همین جهت است که آن حضرت می‌فرماید:

«لَأَنَا أَشَدُّ اغْتِبَاطاً بِمَعْرِفَةِ الْکَرِیمِ مِنْ إِمْسَاکِی عَلَی الْجَوهَرِ النَّفِیسِ الْغَالِی الثَّمَنِ». «البته من بهره‌مندی‌ام به واسـطه معرفت شـخص کریم به مراتب بیشـتر است از آن‌که گوهر نفیس گرانبهـایی را به دست آورم.» (۲) نکته مهمی که نبایـد مورد غفلت باشد، این است که علـم و کرامت و فضـیلت دارنـده فضـیلت هر چه بیشـتر باشـد، معرفت او هم مهم‌تر و برکـات آن معرفت هم بیشـتر است. و بر همین اساس است که محبت و مودت اهل بیت پیامبر صـلی الله علیه و آله در قرآن لازم شمرده شده و مزد رسالت قرار داده شده و نتیجه و اثر آنهم قرار گرفتن در راه خدا است:

«قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی»؛ (۳)

«بگو من(در ازای این کار) مزدی از شما نمی‌خواهم جز اینکه خویشاوندانم را دوست بدارید.»

و در جای دیگری می‌فرماید:

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۱۸۴۰

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۱۸۴۰

۳- شوری: ۲۳.

ص: ۱۳

«... قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلى رَبِّهِ سَبِيلًا»؛ (۱)

«بگو(در ادای این رسالت) هیچ مزدی از شما نمی‌خواهم، مگر آن‌که هر کس خواهان است، راه خدا را برگزیند.»

و بر طبق همین آیات و مطابق همین تحلیل غیر قابل انکار است که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ عَرَفَ فَضْلَنَا وَ تَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِنَا وَ أَخْلَصَ حُبَّنَا»؛ «سعادتمندترین مردم کسی است که فضیلت ما را بشناسد و به واسطه همین معرفت و شناخت و عمل کردن مانند ما، به خدا تقرب جوید و با اخلاص به ما محبت ورزد و ...» (۲) و نه تنها سعادتمندترین است، بلکه بدون این محبت و مودت ایمان نخواهد بود، چرا که ائمه علیهم السلام قیّم‌های خدا بر خلق و شاهدان و ناظران بندگان هستند.

آن حضرت فرمود:

«إِنَّمَا الْأَئِمَّةُ قُوَّامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرَفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ»؛

«همانا ائمه علیهم السلام قیّم‌های خدا بر خلق او، و معرفی گران

۱- فرقان: ۵۷

۲- غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۸۳۲

ص: ۱۴

از طرف خدا بر بندگان او هستند، (۱) و(لذا) وارد بهشت نمی‌شود مگر کسی که آنان را بشناسد و آن‌ها نیز او را بشناسند. و وارد جهنم نمی‌شود مگر کسی که منکر آنان باشد و آنان نیز او را انکار کنند و او را به رسمیت نشناسند.» (۲)

راهی به مقصد معرفت

برای تحکیم، استواری، استمرار و نیز افزایش همین معرفت و محبت و مودت است که در بیش از ششصد روایت به زیارت قبور اولیا و ائمه علیهم السلام تأکید شده و در بعضی از آن‌ها تعبیر «فریضه» و واجب آمده و فرموده‌اند که در شرایطی ویژه، این زیارت‌ها واجب کفایی است و حتماً باید انجام گیرد، تا مسیری را که قرآن و پیامبر برای مردم مشخص کرده‌اند، فراموش و گم نشود.

در اکثر روایات که متواتر است، فرموده‌اند که این زیارت‌ها هر چه بیشتر انجام گیرد، بهتر است.

انشاءاللّٰه در صفحات آتی همین نوشتار، با بسیاری از آن‌ها آشنا خواهید شد.

اما مع‌الأسف، برخلاف این همه سفارش‌ها و آثار و

۱- این بیان همان مطلبی است که در آیه(۴۷) اعراف اشاره‌شده است: «وَ عَلَى ٱلْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ ...»

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۱۸۴۲

ص: ۱۵

برکاتی که می‌تواند بر زیارت قبور انبیا و ائمه علیهم السلام و اولیا مترتب باشد، بعضی در اثر ناآگاهی و جهالت و یا به دنبال اهداف غیر اسلامی، زیارت قبور انبیا و ائمه را دستاویز شبهات و تهمت‌ها قرار داده، با تحریف معانی بعضی از آیات و روایات، سعی کرده‌اند سخنان خود را مستند به منابع اسلامی کنند!

ص: ۱۶

شبهاتی در زیارات

مثلًا بعضی از آیات حرمت شرک به خداوند متعال را ذکر کرده‌اند که به پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:
«لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ»؛ (۱) «ای پیامبر، البته اگر تو نیز شرک آوری، قطعاً اعمال تو حبط و باطل خواهد شد و در آخرت از زیانکاران خواهی بود.»
بدون تردید، شرک ورزیدن به خداوند متعال حرام مسلّم و از گناهان کبیره است و همه مسلمانان هم می‌دانند.
لیکن سخن ناروا و غلط، این است که برخی زیارت قبور انبیا و ائمه را که به دستور حجت‌های الهی انجام می‌شود، شرک نامیده و از پیش خود و ناروا ادعا می‌کنند که: «یکی از بزرگترین مظاهر شرک، افراط در اظهار محبت نسبت به قبور پیامبران و اولیا و صالحان است». (۲) از این نویسنده باید پرسید، دلیل این سخن چیست؟
کدام منبع و مرجع دینی گفته که محبت زیاد نسبت به اولیا و ائمه و صالحان شرک است؟
با این که به نص صریح آیه قرآن، خداوند به پیغمبر صلی الله علیه و آله

۱- زمر: ۶۵

۲- المزار عند الأئمه، ص ۵

ص: ۱۷

فرموده است که: «بگو از شما اجر و مزدی برای رسالت نمی‌خواهم مگر محبت و مودت اهل بیتم.» (۱) آیا محبت و مودت به ائمه که فرزندان معصوم پیغمبر صلی الله علیه و آله و جانشینان او هستند، شرک است؟ آیا انجام هر چه بیشتر کاری که اجر و مزد رسالت است، افراط حساب می‌شود؟ و افراط در محبت شرک حساب می‌شود؟

با این‌که حضرت فرموده، همان اجر و مزدی که خواستم، آنهم برای آن بوده که امت راه خدا را گم نکنند و در راه خدا گام بردارند. (۲) آیا محبت و مودتی که به گفته پیغمبر برای امت است، شرک نام دارد؟

آیا تأکید بر کاری که موجب آشنایی بیشتر با دین و راه خدا می‌گردد، شرک است؟ این منطق اهل بیت است؟ یا منطق مخالفان اهل بیت؟

این نویسنده می‌گوید:

«یهود که گفتند: «عُزَیر پسر خداست»، (۳) و مسیحیان که گفتند: «عیسی پسر خداست.» (۴) به خاطر محبت به آن‌ها بوده است. و محبت، به شرک انجامیده است!! پس اگر دوستان اهل بیت علیهم السلام هم آن‌ها را زیاد دوست بدارند، این مودت و دوستی به شرک منتهی می‌شود!!».

این نویسنده اگر اهل تحقیق بود، با مراجعه به آیات و روایات و تفاسیر بزرگان، می‌توانست دریابد که علت پسر خدا خواندن آنان محبت نبوده، بلکه مشکل دیگری

۱- شوری: ۲۳

۲- فرقان: ۵۷

۳- توبه: ۳۰

۴- توبه: ۳۰

ص: ۱۸

داشتند. نه آن‌که به خاطر محبت زیاد، آن‌ها را پسر خدا خوانده باشند.

همچنین این نویسنده در اظهارات سراسر غرض آلود خود می‌گوید: «زیارت قبور ائمه و فرزندان آنان و صالحان کار جاهلانه‌ای است!» تناقص در سخنان او به حدی است که در جای دیگر می‌نویسد:

زیارت قبور، یک سنت نبوی است و آدابی دارد که در سنت صحیح ذکر شده است.

باید پرسید که آداب و دستور را چه کسی باید بیان کند؟

شما یا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله؟

ائمه طاهرین علیهم السلام در صدها روایت آداب و دستور زیارت قبور افراد عادی و آداب زیارت پیامبران و امامان علیهم السلام را بیان کرده‌اند و پیروان و دوستانشان مطابق آن‌ها عمل می‌کنند.

حال، عمل آن‌ها جاهلانه است؟ یا عمل شما که از پیش خود فتوا می‌دهید؟

ص: ۱۹

از چه کسانی باید تبعیت کنیم؟

فراموش نکنیم که ادعای علم و هدایت و راهنمایی مردم در امور اسلام و دین، کار هر کسی نیست.

راهنما باید خود دارای علم و نوری باشد که موجب لیاقت او گردد. آن نور را خدا باید عنایت کند.

«... وَ مَنْ لَمْ یَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُوراً فَما لَهُ مِنْ نُورٍ»؛ (۱)

«و کسی که خدا برای او نوری قرار نداده، نوری نخواهد داشت.»

و خدای متعال به هر که آن نور را عنایت کند، او لایق امامت و هدایت است؛

«... اللَّهُ أَعْلَمُ حَیْثُ یَجْعَلُ رِسالَتَهُ ...»؛ (۲) «خدا داناتر است که رسالت و پیامبری را در کجا قرار دهد!»

عقل و شرع بر ما حکم می‌کند که در هر علم و در هر مسأله‌ای به دانای آن علم مراجعه کنیم. در امور دین هم باید از کسی که می‌داند و خدا او را حجت قرار داده تبعیت کرد.

تبعیت از جاهل، در پیشگاه عقل و شرع مردود است. و کسی که از جاهل تبعیت کرد و گمراه شد، نزد خدا عذری ندارد.

۱- نور: ۴۰

۲- انعام: ۱۲۴

ص: ۲۰

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«أ فَمَنْ يَهْدِى إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّى إِلَّا أَنْ يُهْدى ...»؛ «آيا كسى كه به عنايت خدا آگاه و هدايتگر است، شايسته است از او تبعيت گردد؟ يا كسى كه چيزى نميداند مگر آن‌كه به او ياد دهند؟» (۱) نگارش كتاب درباره امور دينى، نيازمند سرمايه علمى بسيارى است. آگاهى از همه آيات و روايات پيامبر و اهل بيت عليهم السلام در آن موضوع لازم است. اگر نويسنده‌اى سرمايه لازم علمى نداشته باشد، در جايى كه مى‌خواهد اصلاح كند، افساد مى‌كند و به جاى هدايت، مردم را گمراه مى‌سازد.

امام صادق عليه السلام از رسول اكرم صلى الله عليه و آله نقل مى‌كند كه فرمود: «مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ»؛ «كسى كه بدون علم عمل مى‌كند، افساد كردن او بيش از اصلاح كردنش خواهد بود.» (۲) پيغمبر گرامى صلى الله عليه و آله نيز فرموده:

«مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ».

«هر كس بدون علم فتوا دهد بايد جايگاه خود را در آتش بيابد.» (۳)

۱- يونس: ۳۵

۲- وسائل الشيعة، ج ۱۸، ص ۱۲؛ اصول كافى، كتاب فضل العلم، باب ۱۲، حديث ۳

۳- وسائل الشيعة، ج ۱۸، ص ۱۶، ش ۳۳ به نقل از تحف العقول

ص: ۲۱

مرجع مسلمانان در بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث متواتر ثقلین که شیعه و سنّی همه نقل کرده‌اند فرمود:
«من دو چیز گرانبها در میان شما می‌گذارم تا وقتی به آن دو تمسک جویید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ آن دو چیز کتاب خدا و عترت من(اهل بیت من) هستند که هرگز از هم جدا نمی‌شوند، تا در کنار حوض به من برسند ...» (۱) در این بیان محکم، تمسک به اهل بیت، همتای قرآن آمده است؛ یعنی همانطور که تمسک به قرآن به طور مداوم تا قیامت لازم است، تمسک به اهل بیت نیز لازم است.
خداوند در قرآن می‌فرماید:
«... ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقابِ ...» (۲)؛ «هر چه پیغمبر به سوی شما آورد بگیرید، و از

۱- بحارالأنوار، ج ۲۳، ص ۱۰۸، به نقل از الجمع بین الصحاح الستهٔ» حدود ۲۰ منبع از کتاب‌های معتبر اهل سنت نیز این حدیث را آورده‌اند؛ الغدیر، ج ۳، ص ۶۵ و ۸۰ و ۲۹۷ و ...

۲- حشر: ۷

ص: ۲۲

هر چه پیغمبر نهی فرمود باز ایستید و از مخالفت با آن بپرهیزید که عقاب و کیفر خداوند شدید است.»

حال، با توجه به ضرورت اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در اسلام، وقتی در بیان آن حضرت، مرجع امور دینی برای مسلمانان بیان شده- که همان کتاب و عترت(اهل بیت) هستند- آیا مجاز است به دستور غیر اهل بیت که مخالف دستور اهل بیت است عمل شود؟

ص: ۲۳

مشرک کیست؟

قرآن در آیات متعددی لزوم کفر ورزیدن به طاغوت را بیان کرده است. (۱) و ائمه نیز در روایات بسیاری توجه داده‌اند که هرگونه اطاعت از غیر اهل بیت، اطاعت طاغوت و باطل و شرك است. اینک چند نمونه را در اینجا می‌آوریم:

۱. ابوالصباح کنانی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«یَا أَبَا الصَّبَّاحِ، إِیَّاکُمْ وَ الْوَلَائِجَ، فَإِنَّ کُلَّ وَلِیجَةٍ دُونَنَا، فَهِیَ طَاغُوتٌ أَوْ قَالَ: نِدّ». (۲)

«ای ابوالصباح! بر حذر باش از رابطه‌ها و اعتماد کردن‌ها، زیرا هر گونه رابطه و اعتمادی به غیر ما، طاغوت یا گمراهی است.»

۲. طبق نقل بصائرالدرجات، فضیل‌بن یسار از قول امام باقر علیه السلام گفته: «کُلُّ مَا لَمْ یَخْرُجْ مِنْ هَذَا الْبَیْتِ فَهُوَ بَاطِلٌ»؛ (۳)

«هر دستور دینی که از این بیت(بیت پیامبر صلی الله علیه و آله) نباشد باطل است.»

۳. حسن بن اسحاق از حضرت رضا علیه السلام و او از اجداد خود، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کردند که فرمود:

«... و هر کس دین داری ورزد به چیزی که شنیده، از غیر راهی که خدا برای خلقش گشوده،

۱- النحل: ۳۶ و زمر: ۱۷

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۸، ص ۹۶

۳- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۸، ص ۹۴

ص: ۲۴

او مشرك است و راه مورد اطمینان بر وحی خدا، محمد صلی الله علیه و آله است.» (۱) و مثل همین را مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. (۲) ۴. خداوند متعال در آیه شریفه می‌فرماید:

«... اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ ...»؛ «اهل کتاب، عالمان و عابدان خود را ربّ و معبودهایی در مقابل خدا قرار دادند.» (۳) امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«اهل کتاب آن‌ها را عبادت نمی‌کردند، لیکن علما و عباد اهل کتاب چیزهایی را برای مردم حلال می‌کردند و مردم می‌پذیرفتند و چیزهایی را برای مردم حرام می‌کردند و مردم می‌پذیرفتند؛ از این رو معبودانی غیر خدا شدند.» (۴) ۵. حضرت علی علیه السلام فرمود:

«وَ إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ: مُتَّبِعٌ شِرْعَةً، وَ مُبْتَدِعٌ بِدْعَةً، لَيْسَ مَعَهُ مِنَ اللَّهِ بُرْهَانُ سُنَّةٍ وَ لَا ضِيَاءُ حُجَّةٍ».

«همانا مردم در امور دین دو گروه هستند؛ یک

۱- «... و من دان بِسماع مِن غیرالباب الذی فتحه اللّه لخلقه فهو مشرك، والباب المأمون علی وحی اللّه محمد صلی الله علیه و آله»، وسائل الشیعهٔ، ج ۱۸، ص ۹۳

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۸، ص ۹۲، شماره ۱۲، باب ۱۰

۳- توبه: ۳۱

۴- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۸، باب ۱۰، صفات قاضی، حدیث ۲۵ و ۲۸ و ۲۹

ص: ۲۵

گروه دنبال کننده شرع و شریعت و گروه دیگر، آورنده بدعت که نه برهان و دلیلی از سنت دارد، و نه نور و روشنایی از حجت و استدلال.» (۱) ۶. ابن ابی لیلی گوید: من و ابوحنیفه بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم، امام به ابوحنیفه گفت: ای نعمان، از قیاس بر حذر باش؛ زیرا پدران من از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که فرمود:

«مَنْ قَاسَ شَیْئاً مِنَ الـدِّینِ بِرَأْیِهِ قَرَنَهُ اللَّهُ مَعَ إِبْلِیسَ فِی النَّارِ فانّ اوّلَ مَنْ قاسَ ابلیس حینَ قال: خلقتَنی من نار وخلقته مِن طین، فَدَع الرأیَ و القیاس وما قالَ قومٌ لیس لَهُ فی دین اللّه البرهان، فانَّ دینَ اللّه لم یوضع بالآراء و المقائیس»؛ «هر کس چیزی از دین را با رأی خودش قیاس کند، خداوند او را با ابلیس در آتش قرین سازد، زیرا اول کسی که قیاس کرد ابلیس بود. پس رأی و قیاس را و آنچه که گروهی بدون برهان در دین گفتند رها کن، زیرا دین خدا با آرای شخصی و قیاس‌ها تنظیم نشده است». (۲)

۱- وسائل‌الشیعهٔ، ج ۱۸، باب ۱۰، صفات‌قاضی، ص ۹۷، حدیث ۳۱

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۸، ص ۲۹، باب ۶، حدیث ۲۶

ص: ۲۶

شبهه پرستش و شفاعت

اشاره

این نویسنده می‌نویسد:

«شیطان برای آن‌که مردم را گمراه کند، مردم را به سوی محبت و مودت صالحان و خوبان کشیده و برای این‌که اولیا و صالحان فراموش نشوند، شیطان به مردم یاد داده که از مجسمه صالحان، بت‌هایی درست کنند و بتها را بپرستند و از این‌ها کمک بخواهند و آن‌ها را شفیع خود قرار دهند». (۱) در پاسخ به این نویسنده جاهل باید گفت که آیا ما و برادران و خواهران اهل ایمان، بت می‌پرستیم؟ زیارت پیغمبر و ائمه علیهم السلام بت پرستی است؟ آیا در مقام دعا، خدا را به مقام و حرمت اولیا سوگند دادن- که در صدها دعا وارد شده- پرستش آن‌هاست؟

گناه کبیره تهمت به مسلمان

انسان ناآگاهی که معنای زیارت و شفاعت و عبادت را نمی‌داند، آیات مربوط به عبادت بت‌ها را آورده، می‌گوید:

کسانی که به زیارت قبور ائمه معصومین علیهم السلام می‌روند، مثل بت‌پرستان، امامان را پرستش می‌کنند.!

۱- المزار ...، ص ۷

ص: ۲۷

مسلمانان می‌دانند که دروغ بستن به یک مسلمان و تهمت زدن، بسیار زشت و از گناهان کبیره است.

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی‌آنکه مرتکب [عمل زشتی] شده باشند آزار می‌رسانند، قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته‌اند». (۱) پیغمبر گرامی صلی الله علیه و آله فرموده:

«کسی که به مرد یا زن مؤمن چیزی نسبت دهد که در او نیست، خداوند او را در روز قیامت بر تلّی از آتش نگه می‌دارد، تا از عهده تهمت خود برآید.» (۲) حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

«گناه بهتان بر بی‌گناه از آسمان بزرگتر است.» (۳) اکنون ببینیم، دستور دعا کردن نزد اهل بیت چگونه است و شفاعت در قرآن و روایات چه جایگاهی دارد!

چگونه می‌توان دعا کرد؟

حال با چشم‌پوشی از این توهین‌ها، آیا شفاعت خواستن- که در آیات قرآن، به صراحت آمده- یا خدا را به حق مقربان درگاهش سوگند دادن اشکالی دارد؟

۱- احزاب: ۵۸

۲- بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۱۹۴

۳- بحارالأنوار، ج ۷۸، ص ۳۱

ص: ۲۸

برای روشن شدن مطلب، شایسته است توجه کنیم که دستور دعا کردن دو گونه است:

۱. در اکثر دعاها، اینگونه تعلیم داده شده که در مقام تقاضا از خدای متعال اول تقاضای رحمت و فضل خدا برای محمد و آل محمد نمایید؛ یعنی بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و بعد خواسته‌های خود را مطرح سازید.

۲. گونه دیگر که در دعاهای زیادی آمده، به شکل قسم دادن است و این یک روش عقلایی متداول است که تقاضا کننده، مولای خودش را به چیزی که نزد او عزیز است و مطابق نظر او شایسته تکریم و احترام است، قسم می‌دهد.

با یک مرور کوتاه موارد زیادی را می‌یابیم که ائمه علیهم السلام آموزش داده‌اند که به این شکل دعا کنیم. اینک چند نمونه را در اینجا متذکر می‌شویم:

۱. یکی از دعاهای تعقیب نماز صبح این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلِ النُّورَ فِی بَصَرِی، وَ الْبَصِیرَةَ فِی دِینِی، وَ ...»؛ «خدایا از تو می‌خواهم به آن حقی که محمد و آلش بر تو دارند، درود فرستی بر محمد و آلش، و قرار ده روشنایی در دیده‌ام، و بینایی در دینم و ...».

۲. در دعای دیگری از تعقیبات نماز صبح آمده:

«فَأَعِذْنِی اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ کُلِّ مَا أَتَّقِیهِ»؛ «پس

ص: ۲۹

پناه ده مرا به حرمت آن‌ها از هر چیزی که از آن پروا دارم.»

۳. در دعای سریع الاجابهٔ که از امام کاظم علیه السلام نقل شده، می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِالْوَحْدَانِیَّهِٔ الْکُبْرَی وَ الْمُحَمَّدِیَّهِٔ الْبَیْضَاءِ ... وَ بِجَمِیعِ مَا احْتَجَجْتَ بِهِ عَلَی عِبَادِکَ وَ ...».

«خدایا از تو تقاضا می‌کنم به حق مقام وحدانیت و یکتایی بزرگ خودت و به مقام محمدی آن مقام تابنده و درخشان ... و به حرمت همه چیزهایی که بدان با بندگانت اتمام حجت می‌کنی ...»

۴. شیخ کفعمی نقل کرده که حضرت ولی عصر علیه السلام این دعا را به شخص محبوسی آموخت تا از زندان خلاص شود:

«... فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً ...»؛ «پس به حق آن‌ها برای ما گشایشی ایجاد فرما.»

۵. در دعایی که از حضرت مهدی علیه السلام روایت شده چنین آمده است:

«إِلَهِی بِحَقِّ مَنْ نَاجَاکَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاکَ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ ...»؛ (۱)

«خدایا به حق کسانی که با تو مناجات می‌کنند و در خشکی و دریا تو را می‌خوانند که ...»

۱- مهج الدعوات، ص ۳۵۲

ص: ۳۰

۶. در دعای شب مبعث رسول اللَّه صلی الله علیه و آله آمده:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِالتَّجَلِّی الْأَعْظَمِ ...»؛ «خدایا از تو تقاضا می‌کنم که به حق تجلی و جلوه اعظم تو ...» که مقصود از تجلی اعظم رسول اللَّه صلی الله علیه و آله است.

۷. در آخر دعای شب بیست و هفتم رجب می‌خوانیم:

«... وَ تَوَجَّهْتُ إِلَیْکَ بِأَئِمَّتِی وَ سَادَتِی اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ وَ أَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ»؛ «و به وسیله پیشوایان و سروانم به سوی تو رو آوردم. خدایا به دوستی ایشان ما را سودمند کن و در جایگاه آنها واردمان کن.»

۸. در توقیع صادره از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام آمده که در شب سوم شعبان در میلاد حضرت حسین علیه السلام می گویی:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِی هَذَا الْیَوْمِ ...»؛ «خدایا من از تو تقاضا می‌کنم به حق کسی که در این روز متولد شد ...»

۹. در اول یکی از دعاهای روز عید غدیر که سیدبن طاووس از شیخ مفید نقل کرده، آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ عَلِیٍّ وَلِیِّکَ وَ الشَّأْنِ وَ الْقَدْرِ الَّذِی خَصَصْتَهُمَا بِهِ دُونَ خَلْقِکَ ...»؛ «خدایا از تو تقاضا می کنم به حق

ص: ۳۱

محمد پیغمبر تو و به حق علی ولّی تو و به حق شأن و قدری که او را بدان اختصاص دادی از میان خلق خود که ...»

۱۰. در دعای شب نیمه شعبان می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هـذِهِ وَ مَوْلُودِهَا وَ حُجَّتِكَ وَ مَوْعُودِهَا ...»؛ «خدایا به حق این شب و مولود آن و به حق حجت تو و وعده‌ای که داده شده ...»

۱۱. در دعای شب‌های قدر، هنگام قرآن بر سر نهادن می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَـذَا الْقُرْآنِ وَ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ ...»؛ «خدایا! تو را قسم می‌دهم به حق این قرآن و به حق کسی که قرآن را آورده و به حق هر مومنی که در قرآن او را ستوده‌ای ...»

ص: ۳۲

شفاعت در منطق قرآن

آیات متعددی در قرآن به مسأله شفاعت اشاره دارد و گویای این نکته است که ممکن است کسانی در پیشگاه خدا برای دیگران شفاعت کنند. و روایات بسیاری از پیغمبر و ائمه علیهم السلام نیز همین امر را بیان کرده است. البته و حتماً چنین است که شفاعت هر کس باید به اذن خدا باشد که ذیل همین مطلب روشن می‌گردد. لکن شفاعت اولیای خدا، برای دیگران به سبب عجز خدا نیست؛ آنطور که کوردلان مغرض تحلیل می‌کنند. بلکه به جهت نقصان و کمبود بندگان در اعمال است که نیازمندند تا اولیای خدا به اذن خدا آن‌ها را کمک کنند.

غرض ورزان دور از قرآن و عترت می‌گویند: «اعتقاد به شفاعت، منطق جاهلانه‌ای است؛ زیرا کسی که از شفیع (۱) استفاده می‌کند، (نعوذبالله) خدا را هم مثل فلان رییس جمهور و فلان مخلوق، عاجز حساب کرده است!» (۲) شگفتا! مغالطه و خلط مبحث را بنگرید، شفاعت‌خواه می‌خواهد کمبود خود را به شکلی رفع کند، و این شخص به دروغ می‌گوید که شفاعت‌خواه به کمبود و عجز خدا معتقد است!!

۱- شفاعت کننده.

۲- المزار ...، ص ۹

ص: ۳۳

آیا این تهمت به مسلمانان، گناه کبیره نیست؟ برای روشن‌تر شدن موضوع مثالی را در اینجا می‌آوریم:

فرض کنید، فرزند دانشجوی شما، در درس معارف به جای نمره لازم(۱۵) نمره ۵/ ۱۴ آورده است و شما به بعضی از دوستان خود می‌گویید که به مسئول مربوطه سفارش کند، تا نمره ۵/ ۱۴ وی را به جای نمره ۱۵ قبول کند! آیا این کار به معنای کمبود و عجز آن مسئول است؟! یا به معنای نقص دانشجو که نتوانسته نمره لازم را بیاورد؟

عجیب است که چگونه با جرأت، یک دروغ و تهمت را به میلیونها مسلمان نسبت می‌دهند! در صورتی که این شخص مغرض مدعی است که می‌خواهد زائران را هدایت کند! لابد هدایت به سوی دوری از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مدّ نظر اوست!

خداوند متعال در قرآن، همه ابعاد مسأله شفاعت را روشن کرده که غرض ورزان اسیر شیطان و ره پویان در تاریکی آن‌ها را نمی‌بینند. آیات قرآن در مورد شفاعت به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. یک دسته آیاتی است که تأثیر اسباب دنیوی و از جمله شفاعت را به شکلی که در دنیا مطرح است، نسبت به عالم آخرت، نفی می‌کند و می‌فهماند که عالم آخرت جایی نیست که با دروغ و نیرنگ و فریب و کمک‌گیری بتوان بر حاکمیت و حسابرسی خدا غلبه یافت و از محاکمه و اجرای حکم خدا فرار کرد. چنانکه حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل می‌فرماید:

«وَ لَا یُمْکِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُکُومَتِکَ»؛ «و گریز از تحت

ص: ۳۴

حکومت تو ممکن نیست.» (۱)

۱- این دسته آیات مانند: بقره: ۴۸: «وَ اتَّقُوا یَوْماً لا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئاً وَ لا یُقْبَلُ مِنْها شَفاعَهٌ وَ لا یُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ»؛ و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند؛ و نه از او شفاعتی پذیرفته، و نه به جای وی بدلی گرفته می‌شود؛ و نه یاری خواهند شد. و بقره ۲۵۴: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْناکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَ یَوْمٌ لا بَیْعٌ فِیهِ وَ لا خُلَّهٌ وَ لا شَفاعَهٌ وَ الْکافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی. و کافران خود ستمکارانند. دخان: ۴۱: «یَوْمَ لا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئاً وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ»؛ همان روزی که هیچ دوستی از هیچ دوستی نمی‌تواند حمایتی کند، و آنان یاری نمی‌شوند. مؤمن: ۱۸ «وَ أَنْذِرْهُمْ یَوْمَ الْآزِفَهِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَی الْحَناجِرِ کاظِمِینَ ما لِلظَّالِمِینَ مِنْ حَمِیمٍ وَ لا شَفِیعٍ یُطاعُ»؛ و آنها را از آن روز قریب [الوقوع] بترسان، آنگاه که جانها به گلوگاه می‌رسد در حالی که اندوه خود را فرومی‌خورند. برای ستمگران نه یاری است و نه شفاعتگری که مورد اطاعت باشد. و مؤمن: ۳۳: «یَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِینَ ما لَکُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عاصِمٍ وَ مَنْ یُضْلِلِ اللَّهُ فَما لَهُ مِنْ هادٍ»؛ روزی که پشت‌کنان [به عُنْف] بازمی‌گردید، برای شما در برابر خدا هیچ حمایتگری نیست؛ و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست. الصافات: ۲۶: «بَلْ هُمُ الْیَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ»؛ [نه!] بلکه امروز آنان از دَر تسلیم درآمدگانند. یونس: ۱۸: «وَ یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا یَضُرُّهُمْ وَ لا یَنْفَعُهُمْ وَ یَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَ تُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِما لا یَعْلَمُ فِی السَّماواتِ وَ لا فِی الْأَرْضِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ»؛ و به جای خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند و نه به آنان سود می‌دهد. و می‌گویند: «اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند.» بگو: «آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی‌داند، آگاه می‌گردانید؟» او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌سازند. و الشعراء: ۱۰۰ و ۱۰۱ «فَما لَنا مِنْ شافِعِینَ* وَ لا صَدِیقٍ حَمِیمٍ»؛ در نتیجه شفاعتگرانی نداریم، و نه دوستی نزدیک.

ص: ۳۵

۲. دسته دیگر آیاتی است که با صراحت، شفاعت را اثبات می‌کند و می‌گوید: شفاعت فقط از ناحیه خدا پذیرفته است.
و در همین آیات جای تأمل است که بفهمیم، شفاعت خدا، چه معنایی می‌توانـد داشته باشد؟ مانند: «ما لَکُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِیٍّ وَ لا شَفِیعٍ»؛ «برای شما غیر از خدا ولّی و شفیعی نیست.» (۱) و «... لَیْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِیٌّ وَ لا شَفِیعٌ ...»؛ «برای آنان غیر خدا، ولی و شفیع نیست.» (۲) و «قُلْ لِلَّهِ الشَّفاعَهُ جَمِیعاً ...»؛ «بگو شفاعت همه برای خداست.» (۳) ۳. دسته دیگر آیاتی است که به صراحت می‌گوید، شفاعت برای غیر خدا و با اذن خداست. مانند: «مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ...»؛ «کیست که در نزد او شفاعت کند مگر با اجازه او.» (۴) و «... یُدَبِّرُ الْأَمْرَ ما مِنْ شَفِیعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ»؛ «تدبیر امور می‌نماید، هیچ شفیعی نیست مگر بعد از اذن او.» (۵) و «وَ قالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمنُ وَلَداً سُبْحانَهُ بَلْ عِبادٌ مُکْرَمُونَ* لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ یَعْمَلُونَ* یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضی ...»؛ (۶) «و آنان درباره پیغمبران گفتند: خدا فرزند گزیده است، او منزه از فرزند داشتن است، بلکه آن‌ها بندگان گرامی او هستند که در هیچ امری قبل از خدا سخن نگفته، فقط به

۱- سجده: ۳

۲- الانعام: ۵۱

۳- الزمر: ۴۴

۴- البقره: ۲۵۵

۵- یونس: ۳

۶- الانبیاء: ۲۸- ۲۶

ص: ۳۶

فرمان او عمل می‌کنند و آینده و گذشته‌شان را خدا می‌داند، و آن‌ها شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که خدا رضایت دهد.»

با کمی دقت در می‌یابیم که این آیه بسیار جامع و پاسخگوی بسیاری از شبهات جاهلان است. این آیه می‌فرماید که گمراهان، بعضی از بندگان خدا را فرزند خدا می‌پنداشتند، آن‌ها بندگان گرامی خدا هستند که در همه امور فقط به اذن خدا عمل می‌کنند و خدا از همه حالات آن‌ها آگاه است، و شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که خدا رضایت دهد. پس روشن است که پاره‌ای از بندگان خدا به اذن خدا برای دیگران شفاعت می‌کنند.

ص: ۳۷

کمالات در قرآن

بطور کلی از روش‌های رایج قرآن است که هر گونه کمالی را از غیر خدای تعالی نفی می کند، و سپس آن را برای خدا اثبات می کند و برای غیر خدا به اذن و مشیت او اثبات می‌نماید. و این می‌فهماند که موجودات هر گونه کمالی را که دارا هستند از پیش خود و با استقلال دارا نبوده، بلکه با بخشش و عطای خداوند آن را به دست آورده‌اند. مجموع آیات قرآن در شفاعت، به انسان عاقل می‌فهماند که آیات نفی کننده شفاعت، شفاعت با استقلال را از غیر خدا نفی می کند. و آیات اثبات شفاعت، شفاعت را برای خدا به شکل اصلی و برای غیر خدا با اذن و اجازه خدا اثبات می کند. و دریافت چند درس در این مورد ضرورت دارد، از قبیل این که:

۱. معنای شفاعت چیست؟

۲. به چه چیزهایی تعلق می گیرد؟

۳. شفاعت در حق چه کسی است؟

۴. شفاعت از چه کسی پذیرفته است و مسائل مهم دیگر که رجال بزرگ علم و تفسیر توضیح داده‌اند. (۱)

۱- برای آگاهی بیشتر ر، ک: المیزان، ج ۱، ص ۱۵۶- ۱۸۵

ص: ۳۸

شفاعت در روایات

روایات شفاعت که در منابع شیعه و سنّی آمده فراوان است، بعضی از آن‌ها را ذکر می کنیم:
۱. شیخ بزرگوار، صدوق، در کتاب امالی از حسین بن خالد، از حضرت رضا علیه السلام و او نیز از آباء خود از امیرمؤمنان علی علیه السلام و او نیز از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:
«هر کس به حوض (۱) من ایمان نیاورد، خدا او را وارد حوض من نسازد، و هر کس به شفاعت من ایمان نیاورد، خدا شفاعت مرا به او نرساند ...
شفاعت من برای اهل کبایر است ...» (۲) در همان جا و دیگر روایات توضیح داده شده که شفاعت برای مرتکبان گناه کبیره است که پشیمان شدند و پشیمانی در حکم توبه است.
۲. در تفسیر آیه شریفه «... عَسی أَنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحْمُوداً»؛ (۳) روایات متواتر شیعه و سنّی به طور اختصار و تفصیل آمده است که مراد از «مقام محمود» که

۱- در روایات بسیار آمده، از جمله در حدیث متواتر ثقلین‌فرموده: کتاب و عترت، از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض به من باز گردند.

۲- المیزان، ج ۱، ص ۱۷۷

۳- الاسراء: ۷۹

ص: ۳۹

خدا به پیغمبر صلی الله علیه و آله وعده داده، مقام شفاعت است. و البته این منافات ندارد که پیامبران دیگر نیز، اهل شفاعت باشند؛ زیرا ممکن است شفاعت دیگران فرع بر شفاعت او و به دنبال آن باشد. (۱) ۳. علی بن ابراهیم قمّی در روایات بسیار از ائمه علیهم السلام نقل کرده که فرموده‌اند:

تمام اولین و آخرین محتاج شفاعت محمد صلی الله علیه و آله هستند، و دیگر این‌که ائمه علیهم السلام و علما و شهدا و مؤمنان هم شفاعت می‌کنند، هر کدام در حد خودشان.» (۲) ۴. در کتاب خصال از حضرت علی علیه السلام و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

ثَلَاثَةٌ یَشْفَعُونَ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَیُشَفَّعُونَ: الْأَنْبِیاءُ، ثُمَّ الْعُلَمَاءُ، ثُمَّ الشُّهَدَاءُ». (۳)

«سه طایفه در پیشگاه خدا شفاعت می‌کنند و شفاعتشان پذیرفته می‌شود: اول پیغمبران دوم علما و سوم شهدا.»

۵. در روایت دیگری آمده:

«إِذَا اجْتَمَعَ الْعَالِمُ وَ الْعَابِدُ عَلَی الصِّرَاطِ، قِیل لِلْعَابِدِ: ادْخُلْ الْجَنَّةَ وَ تَنَعَّمْ بِعِبَادَتِکَ. وَ قِیلَ لِلْعَالِمِ: قِفْ هُنَا فَاشْفَعْ لِمَنْ أَحْبَبْتَ فَإِنَّکَ لَا تَشْفَعْ

۱- المیزان، ج ۱، ص ۱۷۷

۲- المیزان، ج ۱، ص ۱۸۱

۳- المیزان، ج ۱، ص ۱۸۱

ص: ۴۰

لِأَحَدٍ إِلَّا شُفِّعْتَ فَقَامَ مَقَامَ الْأَنْبِيَاء». (۱)

«وقتی عالم و عابد در صراط جمع شدند، به عابد گویند: داخل بهشت شو و به پاس عبادات خود بهره‌مند باش. و به عالِم می گویند: در اینجا توقف کن و برای هر کس که دوست داری شفاعت کن؛ زیرا برای هر کس شفاعت کنی پذیرفته می‌شود، پس عالم در جایگاه پیغمبران می‌ایستد.»

علاوه بر این‌ها در روایات مربوط به زیارت‌ها به طور مکرر و متعدد آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر کس به زیارت من بیاید، من در روز قیامت شفیع او خواهم بود. شفاعت من برای او واجب می‌شود.» (۲) و نیز آن حضرت به امام حسین علیه السلام فرمود:

«هر کس در زندگانی یا بعد از مرگ، مرا یا پدر تو را یا برادر تو را یا تو را زیارت کند، حقی بر من دارد که در قیامت او را زیارت کنم و او را از گناهانش خلاص گردانم.» (۳) و نیز فرمود:

۱- کنزالعمال، ج ۱۰، ص ۱۳۶، ش ۲۸۶۸۸، نقل از ابوالشیخ فی الثواب از ابن عباس.

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۶۱، باب ۳، مزار حدیث ۲ و ۳

۳- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۶۱، باب ۲، حدیث ۱۴

ص: ۴۱

«یا علی! هر کس مرا یا تو را یا دو پسر تو را در زندگی یا بعد از مرگ، زیارت کند برای او در قیامت ضامن هستم که او را از هراس‌ها و سختی‌های آن روز خلاص کرده، با خودم هم‌درجه گردانم.» (۱) و مانند این تعبیرات در روایات متعدد و متواتر آمده است. (۲)

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، باب ۲، حدیث ۱۶

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، باب ۲، حدیث ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ و باب ۳، حدیث ۲ و ۳ و ۹ و ...

ص: ۴۲

ساختن بقعه و تعمیر قبور در روایات

اشاره

یکی از چیزهایی که واماندگان از ولایت، بسیار نسبت به آن حساس‌اند، بقعه و بارگاه و صحن و رواق داشتن مزار ائمه طاهرین است که عوامل بسیاری آن را ایجاب می‌کند. بر متفکران پوشیده نیست که تداوم جریان ولایت، نمی‌تواند از استمرار زیارت اهل بیت جدا باشد؛ زیرا زیارت قبور اهل بیت نسل جدید و نسل‌های بعد را به سوی مودتی می‌کشاند که به دستور قرآن پاداش خدمات پیغمبر صلی الله علیه و آله است.

می‌دانیم از دیدگاه امام شناسان، زیارت قبور ائمه علیهم السلام مثل زیارت قبور افراد معمولی نیست که زائران چند دقیقه در آنجا حضور یافته، حمد و سوره‌ای قرائت کنند و بگذرند. در روایات ما، به حضور در مشاهد ائمه مخصوصاً امام حسین علیه السلام و اشتغال به نماز و دعا و زیارت آنان بسیار سفارش شده و آنگونه که وارد شده، بعضی نسبتاً مفصل است.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چه ثوابی در انتظار زائر امام حسین علیه السلام است؟ فرمود: هر کس به سوی مزار او برود و او را زیارت کند و دو رکعت نماز نزد او بگزارد، ثواب حجّ مبرور برای او می‌نویسند. و اگر در نزد او چهار رکعت نماز گزارد، ثواب حج و عمره برای اوست.

پرسیدند: آیا همینگونه خواهد بود برای هر کس که هر امام واجب الاطاعه را زیارت کند؟

ص: ۴۳

فرمود: و همینگونه است هر کس که زیارت کند امامی را که اطاعت او واجب است. (۱)

محدث بزرگ شیخ حرّ عاملی، در باب ۶۹ مزار اینگونه عنوان کرده است: (۲) «باب استحباب برگزاری نماز بسیار- واجب و مستحب- در نزد قبر حسین علیه السلام، در سمت سر و پشت قبر مطهر ...» (۳) و در این باب ده روایت آورده که بر مستحب بودن نماز بسیار در آنجا دلالت می‌کند. و در دیگر باب‌ها نیز روایات به طور متواتر آمده است. با توجه به اهمیت این زیارت‌ها و عبادت‌ها، اگر در مشاهد مشرفه، بقعه و رواق و ساختمانی نباشد، چگونه مردم می‌توانند در آن مکان‌های مقدس به دعا و زیارت‌ها و نماز و عبادات بپردازند؟ چه کسی است که انصاف داشته باشد و لزوم احداث ساختمان در چنین مکان‌هایی را درک نکند؟ آن همه دستورها و سفارش‌ها راجع به زیارت قبور انبیا و ائمه علیهم السلام(بیش از ۶۰۰ روایت) که محدود به زمان خاصی نیست، بلکه همگام همه دستورات اسلام مطرح است، خود دلالت می‌کند. بر این‌که باید آن قبور را تعمیر کرد و آباد نگه داشت و نگهداری نمود؛ و گرنه در طول کمتر از یک قرن از بین می‌رود، و دیگر امکان حضور در آنجا و برگزاری دعا و نماز و زیارات نخواهد بود.

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۵۸، باب ۲؛ مزار، حدیث ۲۰ به نقل از تهذیب شیخ طوسی و حدیث ۲۵ به نقل از مقنعه.

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۴۰۵

۳- که قبر در قبله نمازگزار قرار می گیرد

ص: ۴۴

اظهارات ضد روایات

حال عجیب است که یک آدم معاند و جاهل می گوید:

«چون شرک به خدا حرام است، لذا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همواره سعی داشته‌اند از تمام مظاهر شرک جلوگیری به عمل آورند، و یکی از بزرگترین مظاهر شرک افراط در اظهار محبت نسبت به قبور پیامبران و اولیا و صالحان است.» تا آنجا که گوید: «انگیزه منع ساخت گنبد و بارگاه و ضریح، جلوگیری از خرافات و خدای نکرده شرک است ...» (۱) این شخص روایاتی را جمع آوری کرده که تعمیر قبور و بلند ساختن قبر و نماز خواندن بر قبر، مورد نهی قرار گرفته است. و مطابق میل خودش همه روایت‌های کراهت را به حرمت ترجمه کرده است. (۲) با این همه معلوم نیست این شخص از کجا می گوید که ساختن گنبد و بارگاه بر روی قبر ائمه علیهم السلام شرک است. حتماً این هم از شرک‌هایی است که مفتی‌های معلوم الحال می گویند. قطعاً این گونه گفته‌ها و اظهارات تلاشی است در جهت بازداشتن مردم از زیارت اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و مصداق این آیه شریفه که می‌فرماید:

«آنانکه عهد با خدا را می‌شکنند بعد از آن‌که عهد بسته‌اند، و قطع می کنند آن ارتباطی را که خداوند فرموده برقرار کنید و بدین گونه در زمین فساد ایجاد می کنند، برای آنان لعنت و جایگاه بدی مهیا است.» (۳)

۱- المزار عند الأئمّه، ص ۵

۲- المزار عند الأئمّه، ص ۱۷- ۲۶

۳- الرعد: ۲۵

ص: ۴۵

دستور به ساختن بقعه

شیخ طوسی در کتاب تهذیب با اسناد خود از ابوعامر واعظ اهل حجاز نقل کرده که گفت: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و پرسیدم که برای کسی که قبر امیرمومنان علی علیه السلام را زیارت کند و تربت او را معمور و آباد سازد چه ثوابی خواهد بود؟

فرمود: ای ابوعامر! پـدرم از پـدرش زین‌العابـدین و او از پدرش حسـین بن علی و او از پدرش علی‌بن ابیطالب علیهم السـلام روایت کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او(حضرت علی) فرموده:

«به خدا قسم تو در سـرزمین عراق کشته می‌شوی و در همانجا دفن می‌شوی! گفتم: ای رسول خدا! چه ثوابی خواهد بود برای کسی که قبور ما را زیارت کند و آن را تعمیر نماید و آباد بدارد و مراقب و معاهد آن باشد؟»

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای اباالحسن! به درستی که خـدای متعال، قبر تو و قبر فرزنـدان تو را، از بقاع بهشت قرار داده و میـدانی از میدان‌های بهشت ساخته است. و به درستی که خداوند دل‌های نجیبان از خلق خود

ص: ۴۶

و برگزیدگان از بندگان خود را مشتاق شما ساخته، که اذیت و خواری و دشواری را در راه شما تحمل می‌کنند، قبور شما را آباد می‌نمایند.

و بسیار شما را زیارت می‌کنند، به جهت تقرب در پیشگاه خدا و مودت ورزیدن به رسول خدا صلی الله علیه و آله. یا علی! آنان اختصاص یافته‌اند به شفاعت من و وارد شوندگان بر حوض من هستند، و آن‌ها فردای قیامت در بهشت زائران من هستند، یا علی! کسی که قبور شما را عمران و آباد کند و مراقب آن باشد، مثل آن است که سلیمان بن داود را در ساختن بیت‌المقدس کمک کرده است. و کسی که قبور شما را زیارت کند به همین گونه برای او ثواب هفتاد حج، بعد از حَجّهٔالاسلام خواهد بود. و از گناهان خویش بیرون شود، آنگونه که تا پایان زیارت مثل روزی باشد که از مادر متولد شده است. پس مژده باد بر تو! و مژده ده به اولیا و دوستانت از نعمت‌ها و روشنی چشم؛ به آنچه که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به قلب کسی خطور نکرده. لیکن گروهی از مردم پست، زائران قبور شما را به خاطر زیارت قبور شما سرزنش و ملامت می‌کنند، آنطور که زناکار را بر فحشای او ملامت می‌کنند! آنان بدهای امت و اشرار امت

ص: ۴۷

من هستند، خدا آنان را به شفاعت من نمی‌رسانـد و بر حـوض من وارد نمی‌شونـد.» (۱) و در راستای همین دستورهاست که به زیارت قبور پیامبران گذشته علیهم السلام مانند حضرت آدم و نوح و ابراهیم و هود و صالح و دیگران سفارش شده است. (۲)

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۹۸(ابواب المزار، باب ۲۶) نقل از تهذیب شیخ طوسی، ج ۶، باب ۷، کتاب مزار، حدیث ۷(مسلسل ۵۰)

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ابواب المزار، باب ۲۷ و ۳۱

ص: ۴۸

چه کسانی دین را شوخی گرفتند؟

این نویسنده در قسمتی از نوشته‌اش می‌نویسد:

«دین خدا که شوخی‌پذیر نیست، بهشت و دوزخ که افسانه نیست، مرگ و حساب و کتاب که توهّم و خیال نیست. اگر ما به همه این‌ها ایمان داریم، قرآن را کتاب آسمانی و دستور زندگی می‌دانیم و خداوند را یگانه معبود و کارساز و مشکل‌گشا می‌دانیم. پس چرا خود را از چنگ این خرافات نمی‌رهانیم؟ چرا آنگونه که رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و صحابه اخیار و اهل بیت اطهارش علیهم السلام خدا را می‌پرستیدند، خدا را نمی‌پرستیم؟.» (۱) این نویسنده، چنین وانمود می‌کند که او، اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را قبول دارد، ولی زیارت امامان علیهم السلام، خرافات و به شوخی گرفتن دین است. او می گوید: «بیایید به قرآن و پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام مراجعه کنیم!».

اما حاضر نیست آیات بسیار قرآن در شأن اهل بیت را بفهمد. او نمی‌خواهد درک کند که «اولی الأمر» در این آیه شریفه که می‌فرماید:

۱- المزار عندالأئمه، ص ۱۰

ص: ۴۹

«... أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ...». (۱) «اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی الأمر از خودتان را.»

این «صاحبان امر» چه کسانی هستند؟ چه کسی آن‌ها را «صاحبان امر و فرمان» قرار داده است؟ آیا علاوه بر همه روایات در تفسیر آیه، ما با عقل و فهم خود درک نمی‌کنیم که «صاحبان امر» باید کسانی باشند که خدا آن‌ها را «صاحبان امر» قرار داده، همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله را صاحب امر و فرمان نموده است؟ آیا می‌شود که خداوند، اطاعت هر زورگو و هر آدمکش را که با قلدری بر مردم حکومت می‌کند، واجب کرده باشد؟ پس اگر انصاف در میان باشد، مثل آفتاب روشن است که آنان که، اهل بیت را کنار زدند، دین را شوخی و بازی گرفتند، نه زائران و دوستان اهل بیت علیهم السلام! آن‌ها که روایت متواتر «ثقلین» و نقل شده در منابع محکم اهل سنت و شیعه را کنار گذاشتند، دین را به بازی و شوخی گرفتند! آن‌ها که در مقابل اهل بیت علیهم السلام قاتلان آن‌ها از بنی‌امیه و بنی‌العباس را «اولی الامر» می‌دانند، دین را به شوخی و بازی گرفتند. آن‌ها که علی علیه السلام را خلیفه چهارم به حساب آوردند، اما در همان مرتبه چهارم نیز حاضر نیستند حرف او را بپذیرند، دین را شوخی گرفتند!

۱- نساء: ۵۹

ص: ۵۰

مومن دین خود را از خدا گرفته

حضرت علی علیه السلام در روایتی اسلام را تعریف و تبیین می کند و در ضمن آن می‌فرماید:

«البته مؤمن دین خود را بـا رأی و میـل خود انتخـاب نکرده، و لیکن از طرف پروردگارش به او رسیده و دریافت کرده است. مؤمن اهـل یقیـن است و یقین او در عملش دیـده می‌شـود. و کـافر، دسـتورهای دین را انکـار می کنـد، و انکـار عملی او در عملش دیـده می‌شود؛ پس قسم به خـدایی که جـانم در دست اوست، آن‌هـا امر دین خود را نشـناختند، پس انکـار کافران و منافقان را به واسـطه اعمال زشت و آلوده‌شان بیازمایید و بشناسید.» (۱)

۱- اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب ۲۲

ص: ۵۱

هشدار حضرت زهرا علیها السلام برای بازی گرفتن دین

یگانه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله که حتی یک روز خوش و سلامت پس از پدرش به خود ندید، وقتی بیماری‌اش شدت یافت(همان بیماری که با آن به شهادت رسید) عده‌ای از زن‌های مهاجر و انصار به عیادت او رفتند و عرض کردند:

«بیماری‌ات به کجا رسیده و چگونه است؟

آن حضرت در پاسخ، ابتدا حمد و ثنای خدای را بجای آورد و بعد فرمود: حالم اینگونه است که از دنیای شما بیزارم، نسبت به مردان شما خشمگینم، آن‌ها را دور افکندم و از خود طرد کردم بعد از آن‌که آن‌ها را آزمودم و بغضشان را دارم بعد از آن‌که امتحانشان کردم. چقدر قبیح و زشت شد کارشان، شمشیرهایی که برای اسلام تیز بود، کند شد و نیزه‌ها شکسته شد، بعد از آن همه جدیت و جهاد برای دین، آن را به بازی گرفتند. دین را با حجت پذیرفتند و بدون حجت کنار گذاشتند. گویا شمشیر بر سنگ می‌زنند. آرای فاسد و مفاخر غیر اسلامی

ص: ۵۲

را پیش کشیدند، در خواسته‌ها دچار لغزش شدند و بد جزایی برای خود از پیش فراهم ساختند که خدا بر آن‌ها غضب نمود و در عذاب خدا جاویدانند و ...» (۱) این روایت را بزرگان صدر اسلام نقل کرده‌اند. و این سخن همان فاطمه است که پیغمبر گرامی صلی الله علیه و آله درباره‌اش مکرر فرموده:

«خدا غضب می‌کند به خاطر غضب فاطمه و خشنود می‌شود به خاطر خشنودی فاطمه. هر کس فاطمه را اذیت کند، مرا اذیت کرده و هر که مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده است.»

مسأله غدیر خم را بیش از پنجاه نفر از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب‌های خود نوشته‌اند که در آن روز رسول اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به جانشینی خود منصوب کرد. و هم آن حضرت طبق ده‌ها و صدها روایت اعلام فرمود که بعد از من دوازده نفر بر امت امام هستند تا قیامت فرا رسد. و کثیری از آن‌ها که زیارت را شرک می‌خوانند(!!) همه آن‌ها را کنار گذاشتند!

۱- فقالت بعد الحمد والثناء: «اصبحتُ عایفهٔ لِدُنیا کُنّ قالیهٔ لرجالکنّ، لفَظتُهُم بَعد ان عَجَمتُهُم و شَنَئتُهُم بعدَ ان سَبَرتُهُم، فَقُبحاً لِفُلولِ الحَدِّو خَوَر القَناةِ و اللَّعِب بَعدَ الجِدّ و قَرعِ الصَّفاةِ و صَدعِ القَناةِ و خطل الآراءِ و زلل الأهواء و بئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللَّه علیهم و فی العذاب هم خالدون»؛(معانی الاخبار صدوق، ص ۳۵۶ و احتجاج طبرسی)

ص: ۵۳

حال شما قضاوت کنید، چه کسی دین را به شوخی و بازی گرفته است؟ عده‌ای تمام آیات مربوط به ولایت و امامت علی و اهل بیت علیهم السلام را توجیه می‌کنند و برای فریب مردم مطابق میل خود معنی کرده، همه توضیحات اهل بیت را ردّ می‌کنند. اما آیا در روز قیامت و بعد از مرگ هم میتوانند مثل این دنیا توجیه کنند؟.

ص: ۵۴

آداب زیارت اهل قبور

یکی از همین نویسندگان، بدون دلیل و از پیش خود می گوید:

«از دیگر آداب زیارت قبور این است که روی قبر ننشینند، قبر را لگدمال نکنند، در قبرستان نماز نخوانند، از خداوند غافل نشوند، از مردگان کمک و نیاز نخواهند و غیره.» (۱) از این آدم کوته فکر، می‌پرسیم که منظورش از این تعبیرات، زیارتِ قبورِ چه کسانی است؟ اگر مقصود زیارت قبورِ معمولی اهل ایمان است که کسی برای نشستن روی قبرها و لگدمال کردن و نماز خواندن به آنجا نمی‌رود و کسی از آن‌ها حاجت نمی‌خواهد! در قبرستان که در هر نقطه‌ای ده‌ها قبر قرار گرفته، مگر می‌شود کسی قدم بگذارد و روی قبرها پا نگذارد؟ و به همین جهت اگر روی قبر بنشیند یا راه برود هم اشکالی ندارد! امام هفتم موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود:

«وقتی وارد قبرستان می‌شوی، روی قبرها پا

۱- المزار عند الأئمه، ص ۷

ص: ۵۵

بگذار (۱) پس اگر صاحب قبر مومن باشد از پا گذاشتن تو بر قبرش راحتی می‌جوید، و اگر منافق باشد، احساس درد و ناراحتی می‌کند.» (۲) علاوه بر این شما که می‌گویید مرده چیزی نمی‌فهمد و درکی ندارد، پس چرا پا گذاردن بر قبرهایشان را ممنوع می‌دانید؟! و اگر مقصود شما زیارت قبور انبیا و ائمه طاهرین علیهم السلام است- که طبق روایات بسیار محل آمد و شد ملائکه مقرب خداست- آداب خاصّ خود را دارد و خود ائمه طاهرین علیهم السلام، به زیارت آن مشاهد مشرفه و دعا و نماز در کنار آن قبور مقدس سفارش کرده‌اند؛ چرا که مقام انبیا و ائمه علیهم السلام از مقدس‌ترین اماکن برای عبادت و دعا و مناجات است. و قبرستان نامیدن این اماکن ملکوتی، معلول واماندگی از معرفت مقام آنان!

۱- یعنی مانعی ندارد و مجاز است.

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۲، ص ۸۸۵، باب ۶۲، به نقل از من لایحضره الفقیه.

ص: ۵۶

کج روی مغرضانه

اشاره

این نویسنده که با نام «مستعار» و دروغین مطالبی را می‌نویسد، در مقام خرده‌گیری و ایراد گرفتن نسبت به زیارت قبور ائمه طاهرین علیهم السلام از حدود ۶۰۰ روایت (۱) که در ابواب زیارت‌های انبیا و ائمه علیهم السلام در کتب معتبر وارد شده، چشم پوشیده و حتی به یک روایت از آن‌ها نیز اشاره نکرده و به سراغ روایات مربوط به زیارت قبور معمولی مؤمنان رفته است و از میان حدود ۱۵ روایت، چند روایت را انتخاب کرده و مطابق میل خود(و نه آنچه روایت می‌گوید) معنی کرده است و آن‌ها را برای ادعاهای خود دلیل آورده و گفته:

«نباید قبور ائمه طاهرین را زیارت کرد. نباید در زیارت آن‌ها گریه کرد. نباید در کنار قبر آن‌ها نماز خواند. نباید دعا کرد و نباید دست روی آن قبرها گذاشت- و نباید قبور ائمه طاهرین علیهم السلام را تعمیر کرد.»

و این‌که مردگان چیزی نمی‌فهمند و نباید از آن‌ها چیزی انتظار داشت. این بیچاره با تفکر خام خود خیال می‌کند که زیارت قبور ائمه و پیامبران علیهم السلام مثل زیارت قبور مردم معمولی است!!

۱- ر. ک: وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۵۱- ۴۶۹،(ابواب المزار).

ص: ۵۷

نکته‌ها در زیارت قبور

در صورتی که در همـان روایـات مربوط به زیـارت قبور معمولی(غیر از پیغمبران و امامـان- علیهم السـلام) نیز دسـتوراتی آمـده که برخلاف تفکر امثال این نویسنده است و او همه آن‌ها را نادیده گرفته است:

الف: اموات می‌فهمند:

در پنـج روایت آمـده که اموات می‌فهمنـد چه کسـی به زیـارت آن‌ها آمـده و موجب انس آن‌ها می‌شود و وقتی برمی‌گردنـد آن‌ها افسرده می‌شوند. (۱) ب: نشستن در کنار قبر و دست بر آن گذاشتن:

و در پنـج روایت آمـده که مسـتحب است زائر دست روی قبر بگذارد و هفت بار سوره مبارکه قدر را قرائت کند. (۲) در صورتیکه امثال این نویسـنده منع می‌کنند و از پیش خود می‌گویند: «هذا شـرک، هذا شرك!». در روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع آمده که می‌گوید:

شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود:

«هر کس به زیـارت قـبر برادر مومن خود برود، در نزد قبر او، رو به قبله بنشـیند و دست بر قبر او و گـذارد و هفت مرتبه سوره قـدر را بخواند، از «فزع اکبر» (۳) ایمن خواهد شد.» (۴)

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۲، ص ۸۷۸، حدیث ۵

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۲، ص ۸۸۱، باب ۵۷، حدیث ۱- ۴ و ۶

۳- در سوره انبیا، آیه ۱۰۳ و سوره نمل، آیه ۸۹، به آن اشاره شده است

۴- وسائل الشیعهٔ، ج ۲، ص ۸۸۱، حدیث ۳

ص: ۵۸

ج: استحباب دعا در کنار قبور:

در همان روایات آمده که در هنگام زیارت قبور، مستحب است دعا کردن آنگونه که در روایات رسیده، مخصوصاً در زیارت قبور پدر و مادر، فرموده‌اند: حوائج خود را نزد قبر آنان از خدا بخواهید.

شیخ طوسی با سند خود از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت:

«به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: شما اموات را زیارت می کنید؟

فرمود: آری. عرض کردم: آن‌ها می‌دانند که ما به زیارتشان رفته‌ایم؟ فرمود: آری واللّٰه، آن‌ها می‌دانند و می‌شناسند و از شما شادمان می‌شوند و با شما انس می گیرند. عرض کردم:

چه چیزی بگوییم؟ فرمود، بگو:

«اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَ صَاعِدْ إِلَيْکَ أَرْوَاحَهُمْ وَ لَقِّهِمْ مِنْکَ رِضْوَانا وَ أَسْکِنْ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِکَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَ تُونِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ إِنَّکَ عَلَى کُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (۱)

د: طلب حاجت از خدا کنار قبر والدین:

در روایتی دیگر، شیخ کلینی با سند خود از حریز و او از

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۲، ص ۸۸۲، باب ۵۸

ص: ۵۹

محمد بن مسلم، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: اموات خودتان را زیارت کنید؛ زیرا آنان به واسطه زیارت شما خوشحال می‌شوند. و مستحب است (۱) هر کس از شما نزد قبر پدر و مادرش، بعد از آن‌که برای آنان دعا می‌کند، حاجت خود را(از خدا) بخواهد. (۲)

از این روایات چه می‌فهمید؟

این نویسنده مغرض با سلیقه خود، از روایات سه چیز استخراج کرده که ادعا می‌کند ائمه طاهرین علیهم السلام از آن نهی کرده‌اند:

اول: نماز خواندن بر قبر، یعنی سجده بر آن.

دوم: این‌که قبر را قبله قرار دهند و به سوی آن سجده و دعا کنند.

سوم: ساختن مسجد بر روی قبر و نماز خواندن در آن.

حال، ابتدا باید روایات را بنگریم که چه می‌گوید و از آن‌ها چه استفاده‌ای می‌شود؟ در مرحله دوم، دقت کنیم که اگر کسی در کنار قبری نماز بخواند، آیا معنایش آن است که بر قبر سجده کرده؟ و قبر را به جای کعبه، قبله قرار داده؟ و به سوی قبر سجده می‌کند؟ و از قبر استجابت دعا را می‌خواهد؟

اما روایات

۱- در روایت «وَلْيَطْلُبْ» آمده که امر غایب است دلالت براستحباب می‌کند.

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۲، ص ۸۷۸، حدیث ۵

ص: ۶۰

۱. روایت شیخ صدوق از سماعه که از امام صادق علیه السلام درباره زیارت قبور و ساختن مساجد بر قبور سؤال کرد. امام فرمود: «اما زیارت قبور اشکالی ندارد، لیکن نزد قبرها و روی قبرها مسجد ساخته نشود.» (۱) ۲. روایت دیگری را شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع از زراره نقل می‌کند که گفت: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: نماز خواندن بین قبرها چگونه است؟ فرمود:

«بین خلل قبرها(جاهای خالی) اشکالی ندارد، لیکن هیچ قبری را قبله قرار مده؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن نهی کرده و فرموده: «قبر مرا قبله و مسجد قرار ندهید؛ زیرا خداوند متعال لعن نموده آنان را که قبور پیغمبران را مسجد قرار دادند.» (۲) صدوق در روایتی مرسله ذیل روایت را اینگونه آورده:

«... زیرا خداوند عزوجل لعن نموده یهود را به جهت آن‌که قبور پیغمبرانشان را مسجد قرار دادند.» (۳) همانطور که ملاحظه می‌کنید در این دو روایت، دو چیز

۱- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۸۷، باب ۶۵، حدیث ۱

۲- این یک روایت در سه جا نقل شده و بعضی خیال کرده‌اند که چند روایت است؛ وسائل الشیعۀ، ج ۲، ص ۸۸۷، باب ۶۵، حدیث ۲؛ ج ۳، ص ۴۵۵، باب ۲۶، مکان مصلّی، حدیث ۳ و ۵

۳- وسائل الشیعۀ، ج ۳، ص ۴۵۶، حدیث ۳

ص: ۶۱

ذکر شده: یکی نماز خواندن در کنار و در جاهای خالی بین قبرها، که در روایت صریحاً می گوید که: «اشکالی ندارد» و جایز است و جایز بودن نماز در کنار قبرها در چند روایت دیگر هم آمده. مانند روایت علی بن جعفر از برادرش حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام و روایت معمّربن خلاد از حضرت امام رضا علیه السلام و روایت علی بن یقطین از حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام. (۱) آری نماز در میان قبور غیر انبیا و ائمه علیهم السلام منع شده ولی لحن روایت می‌فهمانند که آن منع و نهی به معنای کراهت است. و همه روایات جواز نماز در بین قبور نیز دلیل بر همین منع کراهتی است.

روایات منع و کراهت

۱. شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام و او از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت نهی فرموده از گچ کاری قبور و نماز در میان قبور، و نماز در سر راه و آسیاب و رودخانه و جایگاه شتر و بام کعبه. (۲) ۲. در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرموده: ده مکان است که در آنجاها نماز خوانده نمی‌شود؛ زمین گل، زمین آب گرفته، حمام، قبور، مسیر رفت و آمدها، خانه مورچگان، جایگاه شتران، محل جریان آب(جوی، رودخانه)، شوره زار، روی برف و یخ. (۳)

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۳، باب ۲۵، مکان مصلّی، حدیث ۱ و ۳ و ۴

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۳، باب ۲۵، حدیث ۲

۳- وسائل الشیعهٔ، ج ۳، باب ۱۵، مکان مصلّی، حدیث ۶ و ۷

ص: ۶۲

۳. و موارد بسیار دیگری را هم ذکر فرموده‌اند که نماز در آن‌ها کراهت دارد، (۱) و همه مراجع بزرگ دین نیز طبق این روایات فتوا داده‌اند که نماز خواندن در اینجاها مکروه است، همچنانکه تصریح فرموده‌اند اگر هنگام نماز، روبرو و مقابل نمازگزار، قرآن یا کتابی باز باشد، یا انسانی رو به نمازگزار باشد، یا دری گشوده باشد، یا قبری، یا روی قبر نماز بگزارد، تمام این‌ها مکروه است، و کراهت با پرده یا حائل دیگر یا فاصله ده زارع، رفع می‌شود. (۲) اگر حرام بود که با حائل رفع نمی‌شد، و از هیچ کدام این روایات حرام بودن استفاده نمی‌شود. و عدم جواز در این روایات به معنای کراهت است چنانکه راه فنی آن در «علم اصول» و «فقه الحدیث» توضیح داده شده است. و باید بدانیم که کراهت در عبادات به معنای ثواب کمتر است نه آن‌که بهتر باشد به طور کلی ترک گردد؛ یعنی اگر نمازگزار غیر این جاها، جای دیگری داشته باشد، بهتر است، آنجا نماز بخواند.

۱- سی و دو مورد را ذکر کرده‌اند.

۲- العروهٔالوثقی، مرحوم آیت اللّه سید محمد کاظم یزدی، فصل ۱۴ مکان مصلّی.

ص: ۶۳

قبله قرار دادن قبور حرام است

اشاره

در پاره‌ای از روایات آمده که قبور را قبله قرار ندهید؛ به دو نمونه اشاره می‌شود:

الف: روایت صدوق در علل الشرائع که در صفحات پیش ذکر شد. (۱) ب: روایت معمربن خلاد از حضرت امام رضا علیه السلام که فرمود: «نماز در بین قبور اشکالی ندارد، مادامی که قبر، قبله انتخاب نشود.» (۲) معلوم است که قبله قرار دادن قبور، غیر از آن است که در کنار آن مسجد بسازند که دانستیم کراهت دارد. از این رو محدث بزرگ شیخ حرّ عاملی به کمک همین روایات، روایات قبله ساختن قبور را هم به معنای مسجد ساختن بر آن، دانسته و عنوان کراهت بر آن نهاده است. (۳) و شاهد روشن بر این برداشت آن است که، در روایات نقل شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده: «لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِی قِبْلَهً وَ لَا مَسْجِداً ...». (۴)

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۲، ص ۸۸۷، باب ۶۵

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۳، ص ۴۵۳، باب ۲۵، مکان مصلی، حدیث ۳

۳- وسائل الشیعهٔ، ج ۲، ص ۸۸۷، باب ۶۵،(باب کراهت بنا کردن مساجد در نزد قبرها).

۴- وسائل الشیعهٔ، ج ۲، باب ۶۵، حدیث ۲

ص: ۶۴

بـدون تردید، مسـجد ساختن کنار قبر پیغمبر صـلی الله علیه و آله حرام نیست، بلکه مکروه هم نیست، پس قبله قرار دادن قبر هم مثل همان است؛ زیرا هر دو در یک عبارت قرار گرفته‌اند.

و آنچه به شـکل علمی و اسـتدلالی از همه این روایات به دست می‌آیـد و بعضـی صـراحت هم دارد، این است که اگر کسـی رو به قبری نماز گزارد و هیچ دیوار و پرده‌ای نباشد، کراهت دارد. لیکن، هیچ قبری از پیامبر صـلی الله علیه و آله و امامان علیهم السـلام و امام زادگان و علما در جایی نیست که اطراف آن‌ها دیواری یا پرده‌ای نباشد و مردم رو به آن‌ها نماز بخوانند.

نکته روشن

یـک مطلب برای هر مسـلمانی واضـح و روشن است و آن این‌که، هرگز جایز نیست و حرام است که کسـی قبری از پیغمبران علیهم السـلام و یا امامان علیهم السلام را به جای کعبه قبله قرار دهد و نیت کند که به جای رو به قبله کعبه، رو به قبر، نماز می‌خواند! ولی هیـچ زائری و هیـچ حـاجی و یـا معتمری چنین کاری نمی‌کنـد. البته ممکن است، نمازگزار که برای نماز، رو به کعبه می‌ایسـتد، در پیش روی او، ساختمان قبر پیغمبر باشد؛ مانند مسجدالنبی صلی الله علیه و آله برای نمازگزاران سمت شمال قبر مطهر آن حضرت، و یا در پیش روی او قبر امام یا دیگری باشـد. ولی آن را قبله قرار دادنِ قبور نمیتوان نام گذاشت، آن گونه که این نویسـنده کج رفتار ادعا کرده است.

انشاءاللّه با توفیق خدای متعال، در صفحات آتی توجه

ص: ۶۵

خواهیم داد به روایات بسیاری که از اهل بیت پیغمبر علیهم السلام رسیده و سفارش فرموده‌اند که هر چه بیشتر به زیارت قبور ائمه بروید و در کنار قبور آن‌ها نماز بخوانید و دعا کنید. حال این نویسنده که نمی‌داند روایات را چگونه باید معنی کرد، از پیش خود نوشته و برداشت کرده که:

- نماز خواندن بر قبر یعنی سجده کردن بر آن!!

- قبر را قبله قرار ندهید و به سوی آن نماز نخوانید و دعا نکنید!!

- روی قبر مسجد نسازید و نماز نخوانید!!

ص: ۶۶

چشم‌پوشی از حقیقت

تردیدی نیست که اساس همه کمالات معنوی معرفت است. و در آنجایی که معرفت به مقام اولیا نباشد، نمی‌توان انتظار داشت که شخص بی‌معرفت، با آداب و برکات زیارت حجج الهی آشنا باشد. حضرت امام خمینی، آن فقیه و عالم ربانی و عارف مجاهد و واصل فرموده است:

«انکار مقامات اولیا و بزرگان، سدّ راه انسانیت است.» (۱) مشکل اصلی امثال این نویسنده آن است که، به مقام بسیار والای ائمه علیهم السلام معرفت نیافته، و آنان را مانند انسان‌های عادی پنداشته و آنگاه به سراغ چند روایت از میان صدها روایت رفته و با استفاده ناقص از آن‌ها، همان ناقص را معیاری برای اظهار نظر نسبت به زیارت همه اولیا و ائمه علیهم السلام قرار داده و از حقیقت مهم جایگاه آن‌ها عمداً یا جهلًا چشم‌پوشی کرده است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَشَدُّ النَّاسِ عَمیً مَن عَمِیَ عَنْ حُبِّنَا وَ فَضْلِنَا وَ

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۸۸.

ص: ۶۷

نَاصَبَنَا الْعَدَاوَةَ بِلَا ذَنْبٍ سَبَقَ مِنَّا إِلَيْهِ إِلَّا أَنَّا دَعَوْنَاهُ إِلَى الْحَقِّ وَ دَعَاهُ سِوَانَا إِلَى الْفِتْنَةِ وَ الدُّنْيَا فَآثَرُوها وَ نَصَبُوا الْعَدَاوَةَ لَنا». (۱)

«کورترین مردم کسانی هستند که: نسبت به محبت و فضیلت ما کورند. رسماً با ما دشمنی می‌ورزند، بدون این‌که گناهی از ما متوجه آن‌ها شده باشد. ما آن‌ها را به سوی حق دعوت کردیم، و دیگران آن‌ها را به فتنه و گرایش دنیا دعوت کردند. پس دنیا را برگزیده و دشمنی با ما را وجهه همت خود قرار دادند».

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۱۸۰۳. این روایت با مضمون آیه ۴۶ سوره حج، مطابق است.

ص: ۶۸

تفاوت قبرها و زیارتگاه‌ها

اشاره

اهل معرفت و آشـنایان با معارف آسـمانی و اسـلامی، می‌دانند که زیارت قبور اولیا، با زیارت قبور معمولی بسـیار تفاوت دارد؛ چرا که طبق روایات و مطابق آیات قرآن اولیا و شـهدا مرده حساب نمی‌شونـد و زیارت آن‌ها پس از مرگ،ماننـد زیارت آن‌ها در حال حیات است. (۱) شهید آیهٔ اللّه مطهری می گوید:

«مطلق زیارت اهل قبور برای طلب رحمت و نثار فاتحه و دعا برای مغفرت آن‌هاست. ولی زیارت اولیا شـکل طلب رحمت و مغفرت ندارد، بلکه نوعی سـتایش و درود است؛ سـلام است، تمجید و ثناست. ... در مذهب، با اولیاء اللّه از دنیا رفته، همچنان عمل می‌شود که با زنده، بلکه زنده‌تر از زنده‌های معمولی؛ چون در آنِ واحد هزاران نفر با او سخن می گویند و درود می‌فرستند و در عالم ضمیر خود یک ارتباط واقعی برقرار می کنند.» (۲) مگر قرآن را فراموش کرده‌اید که می‌فرماید:

۱- در صفحات دیگر، این روایات را خواهیم دید.

۲- یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۵، ص ۴۱۳ و ۴۱۴

ص: ۶۹

«کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مپندارید، بلکه زندگانند و لیکن شما درک نمی‌کنید.» (۱) یعنی به حواس ظاهری درک نمی‌کنید. (۲) و در جای دیگر بالاتر از این می‌فرماید:

«گمان نکنید آنان را که در راه خدا کشته شدند، مردگانند، بلکه زندگانند و در نزد پروردگار روزی می‌خورند. شادمانند به آنچه خدا از فضلش عطایشان فرموده و اعلام بشارت می‌کنند به آنانکه در قفایشان هستند و هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند که هیچ خوف و اندوهی برایشان نیست.» (۳) وقتی قرآن با صراحت شهدا را زنده می‌نامد، چگونه افراد بی‌معرفت، زنده بودن اولیا را انکار می‌کنند. قرآن حجت‌های الهی را شاهدان و ناظران بر اعمال معرفی می‌کند که مفسران بزرگ بیان کرده‌اند که هر یک از حجج الهی علیهم السلام از اعمال تمام امت آگاه هستند؛ گر چه به ظاهر از دنیا رفته‌اند. (۴)

۱- البقره: ۱۵۴

۲- المیزان، ج ۱، ص ۳۵۱

۳- آل عمران: ۱۶۹ و ۱۷۰

۴- ر، ک: تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۲۲. تفسیر آیه «امهٔ وسطاً»(البقرهٔ: ۱۴۳) وج ۹، ص ۳۹۹، تفسیر آیه الرّؤیهٔ(التوبهٔ: ۱۰۵).

ص: ۷۰

گفت و گو با مقتولان بدر

در پایان جنگ بدر، به دستور رسول خدا کشته‌های دشمن را در چاه بدر افکندند، مگر «امیهٔبن خلف» که در همانجا که بود او را زیر خاک و سنگ کردند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله بر سر چاه بدر ایستاد و فرمود:

«ای به چاه افتادگان، ای عتبهٔبن ربیعه و ای شیبهٔبن ربیعه و ای امیهٔبن خلف و ای ابوجهل بن هشام،(همه آن‌ها را که در چاه افکنده بودند نام برد و شمرد) بدخویشانی برای پیغمبر خود بودید؛ مردم مرا راستگو دانستند، و شما مرا دروغگو خواندید؛ مردم مرا پناه دادند و شما مرا بیرون کردید؛ مردم مرا یاری کردند و شما به جنگ با من برخاستید!»

سپس فرمود:

«آیا آنچه را پروردگار به شما وعده داده بود حق یافتید؟ من آنچه را پروردگارم به من وعده داده بود حق یافتم.»

کسانی از صحابه گفتند:

«ای رسول خدا، آیا با لاشه‌های مردگان سخن می گویید؟»

فرمود:

«شما گفتار مرا از ایشان شنواتر نیستید، لیکن

ص: ۷۱

ایشان نمی‌توانند پاسخ دهند، آنچه را گفتم شنیدند و دانسته‌اند که وعده پروردگارشان حق است.» (۱)

قیاس احمقانه

مطابق معارف اسلام، یکی از ارکان کفر و انکار، تکبر است. چنانکه از پیغمبر و ائمه علیهم السلام نقل شده که فرمودند: «أُصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الْحِرْصُ وَ الِاسْتِكْبارُ وَ الْحَسَدُ»؛ (۲) «پایه‌های کفر سه چیز است: حرص، استکبار و حسد ورزیدن.»

تکبر و استکبار سه گونه است:

۱. استکبار در مقابل خدا؛ مثل کار شیطان و بی‌نمازها. (۳) ۲. استکبار در مقابل پیغمبران که شخص مستکبر خود را بالاتر از آن می‌داند که از آن‌ها تبعیت کند.

۳. استکبار بر عامه بندگان خدا که بسیاری بدان مبتلا هستند.

در مورد استکبار در مقابل پیغمبران و امامان علیهم السلام قرآن به موضع و گفته‌های آنان توجه می‌دهد که چه می گویند.

«... أهؤُلاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنا ...»؛ (۴) «این‌ها هستند که خدا آنان را از میان ما برگزیده و فقط

۱- دکتر آیتی، تاریخ پیغمبر اسلام، ص ۲۴۸، نقل از سیرةالنبی، ج ۲، ص ۲۸۲

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۱، ص ۲۹۳،(باب ۵۵ جهادالنفس).

۳- در غافر آیه ۶۰ و نساء آیه ۱۷۲ و ۱۷۳ ذکر شده است.

۴- انعام: ۵۳

ص: ۷۲

بر آن‌ها امتنان نموده است؟.»

و یا در جای دیگر می‌فرماید:

«... أ نُؤْمِنُ لِبَشَرَیْنِ مِثْلِنا ...»؛ (۱) «آیا ما ایمان آوریم به دو نفر که مثل خودمان هستند؟»

و نیز:

«وَ لَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَراً مِثْلَکُمْ إِنَّکُمْ إِذاً لَخاسِرُونَ»؛ (۲)

«و هر گاه شماها اطاعت کنید، بشری را که مثل شماست، حتماً زیانکار خواهید بود.»

شما خواننده گرامی، ملاحظه می‌کنید که مشکل منکران مقام انبیا، آن بود که می‌گفتند: این‌ها هم مثل ما بشر هستند! خیلی از کسانی که مقام امامان علیهم السلام را قبول ندارند، نیز همین را می‌گویند. و غافل‌اند از این‌که خداوند به پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بگو آری من بشری مثل شما هستم، ولی به من وحی می‌شود ...» (۳) پس منافات ندارد که اولیا و امامان بشر باشند، ولی مقام آن‌ها از بسیاری از مردم بالاتر باشد.

انسان متکبر به خاطر تکبرش از درک بسیاری از حقایق بازمانده و دریچه فهم او مهر شده است. (۴) از این رو در بینش دچار اشتباهات مداوم است و همان اشتباهات او را به

۱- المؤمنون: ۴۷

۲- المؤمنون: ۳۴

۳- کهف: آیه آخر.

۴- «خَتَمَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ عَلی سَمْعِهِمْ وَ عَلی أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ»(بقره: ۷).

ص: ۷۳

هلاکت رسانده است.

مثَل متکبران در مقابل اولیا و امامان- که خیال می‌کنند آدمیت فقط به صورت است- مَثل آن طوطی است که به خاطر روغن ریختن او، ضربه بر سرش خورده و سرش تاس شد و بعد خیال می‌کرد که هر کس تاس است، او هم روغن ریخته است:

طوطی اندر گفت آمد در زمان بانگ بر وی زد بگفتش کای فلان

کز چه‌ای کَل (۱) با کلان آمیختی تو مگر از شیشه روغن ریختی

از قیاسش خنده آمد خلق را کو چو خود پنداشت صاحب دلق را

کار پاکان را قیاس از خود مگیر گر چه باشد در نوشتن شیر، شیر

جمله عالم زین سبب گمراه شد کم کسی زابدال حق آگاه شد

همسری با انبیاء برداشتند اولیا را همچو خود پنداشتند (۲)

افراد بی‌معرفت به همه آیات و روایات مربوط به شهدا و اولیا و حجت‌های الهی کفر ورزیده، پوشیده می‌دارند و نادیده می‌انگارند و برخلاف دستور صریح قرآن به طور مکرر از آنان با تعبیر مردگان یاد می‌کنند. توسلات و تقاضای شفاعت را

۱- کل یعنی کچل، کلان یعنی کچل‌ها.

۲- دیوان مثنوی مولوی(چاپ اسلامیه) ص ۹.

ص: ۷۴

که قرآن به صراحت بیان می‌کند و نیز دعا کردن را در کنار قبور، کاری حرام می‌شمرند.

اماکن و بقعه‌های مقدس

در تفاوت بقعه‌ها و اماکن نیز جای تردید نیست. قطعاً دعا در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله با دعا در کنار گور ابوجهل فرق دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار بعضی قبور با سرعت می‌گذشتند و در کنار بعضی قبور توقف می‌کردند. دعای در کعبه، با دعای در خانه متفاوت است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَى اللَّهِ الْمَسَاجِدُ وَ أَبْغَضُهَا إِلَيْهِ الْأَسْوَاق»؛ (۱)

«محبوب‌ترین بقعه‌ها نزد خدا، مساجد و مبغوض‌ترین آن‌ها بازارهاست.»

قرآن می‌گوید:

«وقتی موسی علیه السلام به وادی طور رفت، از جانب راست آن وادی، در بقعه مبارکه از میان درخت ندا داده شد که ای موسی! به راستی، من، اللَّه؛ پروردگار عالمین هستم.» (۲) آن مکانی که موسی علیه السلام به شرف نبوت رسید «بقعه مبارکه» نامیده شده است.

فضیلت دعا و نماز در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله را همه مسلمانان اعتراف دارند، مخصوصاً فضیلت میان قبر و منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را که همه، از پیغمبر و اهل بیت او فرا گرفته‌اند.

۱- مستدرک سفینهٔالبحار، ج ۱، ص ۳۴۵

۲- القصص: ۳۰

ص: ۷۵

چنانکه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَا بَیْنَ قَبْرِی وَ مِنْبَرِی رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ»؛ فاصله میان قبر و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است.» (۱) و برخلاف دیدگاه وهابی‌ها، امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی از دعا در نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله فارغ شدی، به سوی منبر برو و آن را با دست مسح کن و دو قبّه دو طرف پایین منبر را بگیر و به چشمان و صورت خود بمال که گفته می‌شود، شفای چشم است؛ در آنجا بایست حمد و ثنای خدای را به جا آور و حاجت خود را بخواه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بین قبر و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است.» (۲)

رهنمود پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام

علاوه بر آنچه بیان شد، برای کسانی که اهل بیت عصمت و طهارت را می‌شناسند و مطابق فرمان قرآن، اطاعت آن‌ها را واجب می‌دانند، بهترین رهنمود برای معرفت اولیا و آداب زیارت آنان، گفته‌های ائمه طاهرین علیهم السلام است که در صدها روایت به ما رسیده است. و تفاوت مقامات آنان با افراد معمولی، از آسمان تا زمین است که خدا آنان را پاک و مطهر و

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۷۰، باب ۷. ابواب المزار حدیث ۱- ۴

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، باب ۷، حدیث ۱، نقل از فروع کافی.

ص: ۷۶

والیان امر بر مردم معرفی فرموده و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث متواتر «ثقلین» آنان را همتای قرآن قرار داده و تمسک به آن‌ها را مثل قرآن تا قیامت واجب اعلام کرده است. ولی برخلاف این دستور، عده‌ای می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند. «یُریدون لیطفئوا نور اللَّه ...» (۱)

کوردلان نمی‌خواهند بفهمند که مصادیق «نوراللَّه» چه کسانی هستند، با این‌که خداوند متعال در آیه سوره نور آن مصادیق را بیان فرموده است. و در زیارت همه امامان معصوم علیهم السلام می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نُورَ اللَّهِ فِی ظُلُمَاتِ الْأَرْض» این‌ها بیان نمونه‌های نوراللَّه است که دشمنان و مخالفان همیشه در صدد بودند که نور وجودشان را خاموش کنند و مردم را از آن‌ها جدا سازند.

در حیات آنان به قتل و کشتار آن‌ها پرداختند و بعد از مرگ ظاهری‌شان، سعی بسیار کرده و می‌کنند که کسی به زیارتشان نرود، تا فراموش شوند و مردم از هدایت آن‌ها محروم گردند و مطیع طاغوت‌ها و ظلمه باشند.

برای خنثی کردن برنامه دشمنان، در روایت ما بسیار سفارش شده که هر چه می‌توانید به زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین بروید.

الزام والی، مردم را به زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله

در بعضی از روایات آمده، والی، در مواقعی باید مردم را به زیارت قبر رسول اللَّه صلی الله علیه و آله الزام کند. صدوق رحمه الله با سند خود از

۱- سورة الصف: ۶۱، مثل آن توبه: ۳۲

ص: ۷۷

امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«اگر مردم حج را ترک کنند، بر حاکم اسلامی واجب است که کسانی را بر حج و بر توقف در کنار کعبه الزام کند. و اگر زیارت پیغمبر را هم ترک کنند، بر حاکم و والی واجب است که کسانی را بر زیارت آن حضرت و بر ماندن در آن مقام الزام کند، و در صورت لزوم از بیت‌المال مسلمانان بر آنان انفاق کند.» (۱) امام صادق علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

«هر کس به زیارت من بیاید، من در روز قیامت شفیع او خواهم بود.» (۲) و نیز فرمود:

«... هر کس به زیارت من بیاید، شفاعت من برای او واجب می‌شود، و هر کس شفاعت من برایش واجب شود، بهشت بر او واجب شده است ...» (۳) و طبق روایات متعدد فرمودند:

«زیارت پیغمبر در حیات یا بعد از مرگ او مانند زیارت خدا در عرش است.» (۴)

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۸، ص ۱۵، باب ۵، وجوب الحج حدیث ۲

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۶۱، باب ۳، حدیث ۲

۳- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۶۱، باب ۳، حدیث ۳

۴- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۶۱، باب ۲، حدیث ۱۱ و باب ۳، حدیث ۶ و باب ۱۸، حدیث ۱

ص: ۷۸

طلب رزق از خدا در آنجا

کسی که زیارت او، مثل زیارت خدا در عرش، است، حتماً برکاتی از وجود او به زائران می‌رسد؛ زیرا فرمودند، زیارت آن‌ها بعد از وفاتشان مثل زیارت آن‌ها در ایام حیاتشان است. همه مسلمانان آگاه می‌دانند که هر کس به زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات او می‌رفت، اگر خواسته‌ای داشت پیامبر او را ردّ نمی‌کرد از این رو از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «وقتی به زیارت بیت‌اللّه‌الحرام می‌روید، حجّتان را با زیارت رسول اللّه صلی الله علیه و آله و زیارت قبوری که خداوند حق آن‌ها و زیارت آن‌ها را بر شما لازم نموده است، تکمیل کنید و نزد آن‌ها(از خدا) طلب رزق و روزی کنید.» (۱) و در روایت دیگر، آداب زیارت و دعا در کنار قبر آن حضرت را تعلیم فرموده‌اند. (۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۵، باب ۲، مزار حدیث ۱۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۶، باب ۶

ص: ۷۹

زیارت قبور ائمه مانند پیغمبر صلی الله علیه و آله است

طبق روایات متعدد فرمودند:

زیارت هر یک از ائمه طاهرین علیهم السلام مانند زیارت رسول خدا است (۱) و زیارت قبور شهدا و مخصوصاً زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام معادل حج همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله است.» (۲) حمران بن اعین گوید:

«به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفتم، وقتی برگشتم امام باقر علیه السلام به دیدن من آمد و گفت: مژده باد تو را ای حمران، هر کس زیارت کند شهدای آل محمد صلی الله علیه و آله را برای خدا و برای صله و ارتباط با پیغمبر، از گناهان بیرون شود؛ مثل روزی که از مادر متولد شده بود.» (۳) در روایت دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر کس مرا، یا یکی از ذریّه مرا زیارت کند، در قیامت او را زیارت می‌کنم و او را از هراس‌های آن روز نجات می‌دهم.» (۴)

۱- وسائل الشیعه، باب ۲، حدیث، ۱۵- ۱۸

۲- وسائل الشیعه، باب ۲، حدیث ۱۳

۳- وسائل الشیعه، باب ۲، حدیث ۲۲

۴- وسائل الشیعه، باب ۲، حدیث ۲۳

ص: ۸۰

مقام اولیا، مانند مردم نیست

اشاره

پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بعد از وفات نیز از حالات مردم آگاهند. چنانکه در صفحات پیش اشاره کردیم که آن‌ها شاهدان و ناظران اعمال‌اند از این رو امام کاظم و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

«هر گاه وارد مسجدالنبی شدی بر پیغمبر صلی الله علیه و آله سلام بگو، و هر گاه خارج شدی نیز سلام بگو.» (۱) و کراهت دارد که کسی به مسجد عبور کند ولی به حضرت سلام نگوید.

غسل نیز برای زیارت هر امام مستحب است و آداب خاص دارد و زیارت آن‌ها به شکل مخصوص وارد شده است. (۲) عالم بزرگوار حسن بن محمد طوسی در کتاب امالی، با سند از محمد بن مسلم نقل می‌کند که گفت:

«شنیدم از امام جعفر بن محمد صادق علیهما السلام که فرمود: «البته حسین بن علی علیهما السلام در نزد پروردگار خویش است، به جایگاه لشکر خود و

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۶۵، باب ۵ مزار.

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۳۰۳ و ۳۰۵

ص: ۸۱

شهدایی که به او ملحق شدند می‌نگرد،- و به زائران خود نگاه می‌کند و او بهتر از آنگونه که شما فرزند خود را می‌شناسید، زائران و اسامی آن‌ها و اسامی پدران آن‌ها و درجات و منزلت آنان را در نزد خدا می‌شناسد. او می‌بیند کسی را که در مزار او مسکن گرفته؛ پس استغفار می‌کند برای او- و از پدران خود می‌خواهد که برای زائر او استغفار کنند. و می‌فرماید: اگر زائر من می‌دانست که خدا چه پاداشی برای او مهیّا کرده است، البته شادی او از اندوهش بیشتر بود.»

(بعد امام صادق علیه السلام فرمود) «و البته زائر امام حسین علیه السلام باز می‌گردد و هیچ گناهی بر او باقی نمانده است.» (۱)

زیارت و تجدید میثاق با امامت

تأکید بسیار پیغمبر صلی الله علیه و آله بر محبت اهل بیت علیهم السلام و سفارش به زیارت آنان در صدها روایت، برای آن است که ارتباط با ائمه علیهم السلام برقرار بماند و معرفت آنان سرمایه هدایت باشد و با اطاعت آنان امت صراط مستقیم را ادامه دهد و راه پیغمبر صلی الله علیه و آله را گم نکنند تا هدف پیغمبر و شریعت مقدس عملی گردد (۲) بنابراین در بیان روایات، یکی از فلسفه‌های مهم زیارت آن است که، مردم میثاق با امامت را تجدید و تأکید کنند و در همه امور زندگی، الگو و مقتدای خودشان را در نظر داشته باشند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۲۹، باب ۳۷، مزار، حدیث ۳۳

۲- مضمون آیات شریفه قرآن که در صفحات قبل ذکر شد.

ص: ۸۲

زیارت وفای به عهد است

شیخ صدوق رحمه الله با اسناد خود، از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام نقل کرده که فرمود:
«البته برای هر امامی عهدی و میثاقی بر عهده پیروان و شیعیان اوست و از نمادهای اتمام وفای به عهدشان، زیارت قبورشان است؛ پس هر کس با رغبت و علاقه به زیارتشان و تصدیق آنچه به آن علاقه دارند، آنان را زیارت کند، ائمه شفیعان او در روز قیامت خواهند بود.» (۱) و نیز فرمودند: «زیارت ائمه علیهم السلام ادای حقی است که بر شما دارند.» (۲)

اعلام اطاعت و نصرت

زراره از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:
«همانا به مردم امر شده که به سراغ این سنگ‌ها(کعبه) آمده و بر آن طواف کنند، سپس نزد ما آمده، از ولایتشان نسبت به ما و یاری‌شان ما را خبر دهند.» (۳) و مثل همین را ابوحمزه ثمالی از آن حضرت نقل کرده است. (۴) اما اگر حج‌گزاران امام را نشناسند، راه دین را نشناخته و بعد از قرن‌ها هنوز در چنگ دشمنان اسلام

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۵۳، باب ۲، مزار، حدیث ۵ و باب ۴۴، حدیث ۲

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۵۳، باب ۲، حدیث ۱۰

۳- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۵۳، باب ۲، حدیث ۱

۴- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۵۳، باب ۲، حدیث ۹

ص: ۸۳

هستند. و لذا فرمودند: ملاقات امام و اعلام اطاعت او، شرط تمامیت حج است؛ «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ». (۱)

زیارت و کسب طهارت

یکی از آرمان‌های زائران ائمه طاهرین علیهم السلام آن است که خود را با امام خود هماهنگ کنند. و برای این هدف سعی می‌کنند خود را از هر آلودگی برهانند که یک نوع آلودگی عمیق، گرایش به جریان‌های مخالف امام است. در اینجا به نکته‌ای بسیار ظریف و قرآنی در روایات توجه داده شده است. قرآن در ضمن بیان تکالیف حج می‌فرماید: «ثُمّ لیقضوا تَفَثَهُم ...»؛ (۲)
«سپس بزدایند چرك‌ها و کثیفی‌های خودشان را.» (۳) مطابق روایت کافی از امام صادق علیه السلام آن حضرت در تفسیر آیه فرمود: یعنی تراشیدن سر و تمیز کردن بدن. و همچنین طبق روایت بزنطی از امام رضا علیه السلام فرمود:
«تفَث» یعنی گرفتن ناخن و زدودن کثیفی و خروج از احرام» (۴) همچنانکه ملاحظه می‌کنید، جمله فوق از آیه شریفه را به تحصیل نظافت و زدودن مو و ناخن معنی کرده‌اند. و این نوعی طهارت و پاکیزگی ظاهری است. و پاکیزگی باطنی آن است که انسان خود را از آلودگی‌های اخلاقی و لغزش‌های

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، باب ۲، حدیث ۷ و ۸ و ۱۲

۲- سورة الحج: ۲۹

۳- مفردات راغب: ای ازالوا وَسَخَهُم.

۴- المیزان، ج ۱۴، ص ۴۱۵

ص: ۸۴

اعتقادی و دینی پاک سازد و معیار آن گونه پاکی و راه آن، دریافت تأییـد امام و حجت خـداست. لذا ذریح محاربی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد:

مقصود از جمله «ثمّ لیَقضوا تفثهم» چیست؟

حضرت فرمود: «التفث لقاء الامام؛ قضاء تفث یعنی ملاقات امام.» (۱) و حضرت به عبداله‌بن سنان فرمود:

«این تفسیر باطن قرآن است، و چه کسی می‌تواند تحمل کند و دریابد، آنچه را ذریح درمی‌یابد؟» (۲) ملاحظه می‌کنید که در آن زمان حضـرت توجه داده که هر کس قادر به درک این معارف بلند نیست، تا چه رسد به این زمان و کسانی که سـراپای وجودشان را اغراض و امیال فرا گرفته و چشم بصیرتشان را پوشانده است:

«... فَإِنَّهـا لاـ تَعْمَى ٱلْأَبْصـارُ وَ لكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»؛ (۳) «البته گـاهی چشم کورنیست، لیکن دل‌های در سـینه‌ها کور است.»

تأکید بر زیارت تا حدّ وجوب کفایی

پیشوایان دین، ائمه طاهرین و مهندسان فرهنگ اصیل قرآن، در راستای خنثی کردن همان توطئه خاموش کردن

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۵۳، باب ۲؛ مزار، حدیث ۳

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۵۳، باب ۲، مزار حدیث ۴ به نقل از صدوق و کلینی.

۳- حج: ۴۶

ص: ۸۵

نور خدا، تا حد وجوب کفایی بر زیارت اولیا و حجج الهی تأکید فرموده‌اند. محدث کبیر شیخ حرّ عاملی عنوان باب(۳۷) مزار را به این نکته اختصاص داده: «باب تأکید بر استحباب زیارت حضرت حسین بن علی علیهما السلام و وجوب آن به طور کفایی» و چهل و هشت حدیث در این باب آورده است (۱) و درباب(۳۸) می گوید:

«باب کراهت ترک زیارت حسین علیه السلام. و بیست و یک حدیث نیز در آن زمینه آورده است (۲).

وجوب کفایی

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حسین علیه السلام زیرا رفتن به زیارت او بر هر مومنی که به امامت حسین علیه السلام از طرف خدا اقرار دارد فرض است.»

و در چهار روایت دیگر همین مضمون آمده است. (۳)

تارکان حق رسول اللَّه صلی الله علیه و آله

ابن قولویه با سند از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«هر گاه یکی از شماها تمام عمرش را حج

۱- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۳۱۸، باب ۳۷ مزار.

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۳۳۳، باب ۳۸

۳- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۳۴۵، باب ۴۴ مزار، شامل پنج حدیث.

ص: ۸۶

بگذارد و حضرت حسین علیه السلام را زیارت نکند، البته حقی از حقوق رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله را ترک کرده است؛ زیرا حقوق رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله چیزی است که فریضه از طرف خدا و واجب بر هر مسلمان است.» (۱) امام صادق علیه السلام فرمود:

«حقی است بر عهده توانمند که در هر سال دو مرتبه و بر عهده فقیر که هر سال یک مرتبه به زیارت حسین علیه السلام برود.» (۲) و نیز فرمود:

«زیارت قبور شهدای آل پیغمبر، صله جستن با پیغمبر صلی الله علیه و آله است.» (۳)

تهمت‌ها به دوستان اهل بیت علیهم السلام

کوردلانی که از معرفت قرآن و ائمه علیهم السلام بازمانده‌اند، در جزوه‌ها و کتاب‌هایی که شهامت ندارند حتی نام خود را بنویسند و به دروغ به نام فردی مجهول منتشر می‌کنند، ادعا می‌کنند که در کنار زیارت قبور، (۴) کارهای حرامی انجام می‌شود که یکی از آن‌ها «انتظار نفع و ضرر» است. وی می‌نویسد: اعتقاد داشتن به این‌که شخص مرده نفع و ضرر

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۴۶، باب ۴۴، حدیث ۳

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۴۱۷، باب ۷۴، شامل ده حدیث به همین مضمون.

۳- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۵۹، باب ۲، حدیث ۲۲

۴- مقصود این‌ها، در کنار زیارت قبور ائمه است.

ص: ۸۷

می‌رساند حرام است؛ زیرا نفع رساننده و ضرر رساننده فقط ذات قادر متعال است. بعد به عنوان دلیل، از سه سوره قرآن آیاتی را آورده که مربوط به عبادت غیر خداست. مانند:

«... وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لا یَخْلُقُونَ شَیْئاً وَ هُمْ یُخْلَقُونَ وَ لا یَمْلِکُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَ لا نَفْعاً وَ لا یَمْلِکُونَ مَوْتاً وَ لا حَیاةً وَ لا نُشُوراً»؛ (۱) «آن‌ها- مشرکان- غیر خدا را معبودها و خدایانی گزیدند که خالق چیزی نیستند و آن‌ها آفریده‌های خدایند و برای خود مالک سود و زیانی نبوده و بر مرگ و زندگی و رستاخیز توانی ندارند.»

و بعد آیات دیگری نیز آورده که نکوهش عبادت غیر خداست. (۲) و به دنبال آن، جملات زیر را از نهج‌البلاغه درباره مردگان آورده:

«پس ایشان(اموات) همسایگانی‌اند، نه خواننده را پاسخ می‌دهند، نه ستمی را باز می‌دارند، و نه به نوحه‌گری توجه می‌کنند.» (۳) نه بر کارهای نیک و حسنات خود می‌افزایند، و نه عذری توانند خواست از کار زشت و ناخوشایند.» (۴)

۱- فرقان: ۳

۲- مانند، آیه ۲۰ و ۲۱، نحل و آیه ۵۶ و ۵۷ اسراء.

۳- نهج‌البلاغهٔ، خطبه ۱۱۱، صبحی صالح، ص ۱۶۶

۴- نهج‌البلاغهٔ، خطبه ۱۳۲، همان، ص ۱۹۰

ص: ۸۸

ما به طور قطع می‌دانیم که مقصود این نویسنده از این مطالب، خرده‌گیری به دوستان اهل بیت علیهم السلام است که در کنار قبور ائمه معصومین علیهم السلام به دعا و مناجات و زیارت می‌پردازند. کوردلان بی‌معرفت به اهل بیت حسد می‌ورزند که خداوند به آنان مقام والایی عطا کرده است:

«أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ...». (۱) «آیا حسد می‌ورزند بر مردمی که خدا از فضل خود به آنان عطا کرده، مگر غافلند از این‌که ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت و ملک عظیم دادیم.»

این‌ها یا مغرض‌اند که نمی‌توانند حقایق را درک کنند یا جاهل‌اند که قدرت درک حقایق را ندارند. چرا که این قبیل دیدگاه‌ها برخلاف آیات قرآن و این تهمت‌ها به زائران اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله برخلاف واقعیت و عملکرد دوستانشان است.

پاسخ تهمت‌ها

در پاسخ این نابخردان چند مطلب را گوشزد می‌کنیم:

اول: این‌که همه کسانی که اهل زیارت هستند، می‌دانند که الفاظ زیارت ائمه مثل زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله مأثور است؛

۱- سورة النساء: ۵۴

ص: ۸۹

یعنی در روایات آن‌ها آمده و کسی از پیش خود زیارتنامه درست نکرده است. در تمام این زیارات، ما ائمه طاهرین علیهم السلام را اولیای خدا و خلفای خدا و حجت‌های پروردگار و بندگان صالح حق می‌شناسیم و از خدا می‌خواهیم که به ما توفیق اطاعت خودش و ملحق شدن به صالحان را عنایت کند. وقتی به معنای عبارت‌ها در زیارات توجه کنید، بر شما روشن می‌شود که سخنان این نویسنده مغرض چه تهمت بزرگی است! آیا شما کسی را می‌شناسید که در زیارت ائمه علیهم السلام آن‌ها را عبادت کند؟ آیا زیارت ائمه طاهرین علیهم السلام بت پرستی است؟ خدا در قرآن لعنت نموده کسانی را که با تهمت زدن به مؤمنان آن‌ها را اذیت می کنند:

«وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتاناً وَ إِثْماً مُبِيناً». (۱) «کسانی که اذیت می‌کنند مؤمنین و مؤمنات را بدون گناهی که مرتکب شده باشند، البته بهتان و گناه آشکاری را برای خود حمل کرده‌اند.»

دوم: این‌که این شخص می گوید: مردگان چیزی نمی‌فهمند و از کلام حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه شاهد آورده. ولی نفهمیده که حضرت در آنجا می گوید:

«با فرا رسیدن مرگ، پرونده اعمال بسته می‌شود، پس باید هر چه می‌توانید قبل از مرگ عمل کنید.»

این نویسنده چرا سخن دیگر آن حضرت را ندیده که

۱- احزاب. ۵۸

ص: ۹۰

می‌فرماید:

«ای کمیل! جمع کنندگان اموال در حال زنده بودنشان هلاک شده‌اند».

ولی درباره علما می‌فرماید:

«الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ»

«علما در طول روزگار باقی هستند، جسم‌هایشان مفقود شده و به خاک رفته، اما شخصیت آن‌ها در دل‌ها موجود است.»

آنگاه حضرت در ادامه، انسان‌های پست و والا را معرفی می‌کند. و ضرورت وجود حجت‌های خدا را در زمین بیان می‌کند و فوق‌العادگی آن‌ها را شرح می‌دهد که با مردمان دیگر تفاوت بسیار دارند. و در آخر می‌فرماید: «آه، آه! چه قدر اشتیاق دیدارشان را دارم.» (۱) این‌ها چگونه مردگانی هستند که حضرت شوق دیدارشان را دارد؟ آیا او شوق دیدار مردگانی را دارد که چیزی نمی‌فهمند؟ درباره آگاهی ارواح مردگان از حال زائران و چیزهایی که می‌فهمند، قبلًا روایات چندی آوردیم، آن‌ها را مرور کنید. (۲) در صفحات گذشته دانستید که پیغمبر صلی الله علیه و آله چگونه با کشتگان بدر صحبت کرد و فرمود:

«شما بهتر از آن‌ها کلام مرا درک نمی‌کنید.»

۱- نهج‌البلاغهٔ، کلمات قصار، شماره ۱۴۷

۲- به عنوان «نکته‌ها در زیارت قبور» مراجعه کنید.

ص: ۹۱

سوم: این‌که اینگونه اشخاص بی‌اطلاع و دور از معارف قرآن و اهل بیت، خیال می‌کنند، همه مردگان و اموات یکسانند، لیکن ما قبلًا شرح دادیم که این پندار برخلاف آیات و معارف بلند اسلامی است. (۱) چهارم: این‌که این‌ها برای پایبندی به توحید می‌گویند:

«غیر خدا نفع و ضرری نمی‌رساند.» باید بدانیم که نفع و ضرر رساندن غیر خدا دو گونه تصوّر می‌شود:

یکی این‌که کسی معتقد باشد که غیر از خدا، کسانی با استقلال می‌توانند نفع و ضرری برسانند که این غلط و شرك و کفر است و هیچ مسلمان آگاهی چنین عقیده‌ای ندارد.

دیگر این‌که کسانی غیر خدا، با اذن خدا و عطای او منشأ نفع و ضرر باشند، که این هیچ منافاتی با توحید ندارد، بلکه در آیات بیشمار قرآن آمده است که فرشتگان مأمور از طرف خدا و همچنین انبیا و حجج الهی، کارهای بزرگی را که خارق عادت بوده و شکل معجزه و کرامت داشته، انجام می‌دادند و این نویسنده گویا از هیچ یك آن‌ها خبری ندارد، آیا آن‌ها نفعی نمی‌رساندند؟

نمونه‌هایی از این آیات

۱. «فرشته(جبرائیل) گفت: من رسول پروردگار تو هستم، برای آن‌که پسر با رشدی را به تو هدیه کنم.» (۲) ۲. عیسی گفت: من بنده خدا هستم، به من کتاب

۱- به ذیل عنوان «تفاوت قبرها و زیارت‌ها» و «قیاس احمقانه» مراجعه کنید.

۲- مریم: ۱۹ «قالَ إِنَّما أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلاماً زَكِیّاً».

ص: ۹۲

آسمانی عطا کرده و مرا پیغمبر گردانیده، و مرا مبارك و منشأ برکات ساخته، در هر جا باشم.» (۱) سیوطی در الدّرالمنثور از ارباب کتب از ابی هریره از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که در تفسیر جمله «جَعَلَنی مُبارَکاً» فرمود: یعنی «جَعَلنی نفّاعاً للناس»؛ «خدا مرا بسیار نفع رسان به مردم قرار داده است.» (۲) امام صادق علیه السلام در تفسیر «جَعَلَنی مُبارَکاً» فرمودند:

«أی جعلنی نفّاعاً»؛ یعنی بسیار نفع رسان قرار داده است. (۳) ۳. حضرت عیسی بن مریم به بنی‌اسرائیل گفت:

«البته من از طرف پروردگارتان آیه و علامتی برای شما آورده‌ام، از گل به شکل پرنده‌ای درست می‌کنم و در آن می‌دمم، پس پرنده‌ای جاندار می‌شود به اذن خدا، و کور مادر زاد و مبتلای به پیسی را شفا می‌دهم به اذن خدا، و مردگان را زنده می‌کنم به اذن خدا، و به شما(از غیب) خبر می‌دهم که در خانه‌های‌تان چه می‌خورید و چه ذخیره می‌کنید. این معجزات برای شما حجت و نشانه(حقانیت من) است؛ اگر

۱- مریم: ۳۰ و ۳۱ «وَ جَعَلَنِی مُبارَکاً أَیْنَ ما کُنْتُ وَ أَوْصانِی بِالصَّلاةِ وَ الزَّکاةِ ما دُمْتُ حَیّاً* وَ بَرًّا بِوالِدَتِی وَ لَمْ یَجْعَلْنِی جَبّاراً شَقِیّاً»؛ [کودک] گفت: «منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است.* و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است.* و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است

۲- المیزان، ج ۱۴، ص ۵۴

۳- المیزان، ج ۱۴، ص ۵۴، به نقل از کافی و معانی‌الأخبار.

ص: ۹۳

اهل ایمان هستید.» (۱) آیا این پیغمبر نفعی نمی‌رسانید؟

۴. خدا می‌فرماید: «... و عیسی بن مریم را به واسطه روح‌القدس توانایی بخشیدیم.» (۲) آیا این روح‌القدس و این پیغمبر، هیچ نفعی نمی‌رساندند؟

۵. خداوند به پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«اوست که به نصرت خود و به واسطه مؤمنان

۱- آل عمران: ۴۹ «وَ رَسُولًا إِلی بَنِی إِسْرائِیلَ أَنِّی قَدْ جِئْتُکُمْ بِآیَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ أَنِّی أَخْلُقُ لَکُمْ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَةِ الطَّیْرِ فَأَنْفُخُ فِیهِ فَیَکُونُ طَیْراً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَکْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْیِ الْمَوْتی بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُنَبِّئُکُمْ بِما تَأْکُلُونَ وَ ما تَدَّخِرُونَ فِی بُیُوتِکُمْ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَةً لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» و مائده: ۱۱۰: «إِذْ قالَ اللَّهُ یا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ اذْکُرْ نِعْمَتِی عَلَیْکَ وَ عَلی والِدَتِکَ إِذْ أَیَّدْتُکَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُکَلِّمُ النَّاسَ فِی الْمَهْدِ وَ کَهْلًا وَ إِذْ عَلَّمْتُکَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِیلَ وَ إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَةِ الطَّیْرِ بِإِذْنِی فَتَنْفُخُ فِیها فَتَکُونُ طَیْراً بِإِذْنِی وَ تُبْرِئُ الْأَکْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِی وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتی بِإِذْنِی وَ إِذْ کَفَفْتُ بَنِی إِسْرائِیلَ عَنْکَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَیِّناتِ فَقالَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هذا إِلَّا سِحْرٌ مُبِینٌ»؛ [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: «ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور، آنگاه که تو را به روح‌القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن گفتی؛ و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم؛ و آنگاه که به اذن من، از گِل، [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی، پس در آن می‌دمیدی، و به اذن من پرنده‌ای می‌شد، و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می‌دادی؛ و آنگاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می‌آوردی؛ و آنگاه که [آسیب] بنی‌اسرائیل را- هنگامی که برای آنان حجّتهای آشکار آورده بودی- از تو باز داشتم. پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند: این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست.

۲- بقره: ۸۷ و ۲۵۳ «وَ أَیَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ»

ص: ۹۴

تو را یاری و تأیید کرد.» (۱) آیا این مؤمنان نفعی نرساندند؟

۶. خداوند درباره جنگ حنین می‌فرماید:

«... و لشکرهایی که شما نمی‌دیدید(فرشتگان) را به مدد شما فرستاد و کافران شکست خورده را به عذاب و ذلت افکند ...» (۲) ۷. و در رابطه با هنگام هجرت و رفتن به غار می‌فرماید:

«... و او را با لشکریانی که شما آنان را ندیدید، یاری کرد و طرح کافران را به پستی و شکست کشاند ...» (۳) آیا این لشکریان نادیده، نفعی نداشتند؟

۸. سلیمان بن داود گفت:

«... ما لشکری بی شمار که توان مقاومت با آن را ندارند، به سوی آنان خواهیم برد و آنان را با ذلت و خواری از آن سرزمین بیرون خواهیم کرد.» (۴) آیا این لشکریان منشأ نفع و ضرری نبودند؟

۱- انفال: ۶۲: «هُوَ الَّذِی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِینَ».

۲- توبه: ۲۶. «وَ أَنْزَلَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْها وَ عَذَّبَ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ ذلِکَ جَزاءُ الْکافِرِینَ»(و مثل آن در جنگ احزاب، آیه ۹ احزاب «وَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْها»)

۳- توبه: ۴۰: «أَیَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْها وَ جَعَلَ کَلِمَهَ الَّذِینَ کَفَرُوا السُّفْلی وَ کَلِمَهُ اللَّهِ هِیَ الْعُلْیا وَ اللَّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ»

۴- نمل: ۳۷

ص: ۹۵

.۹ قرآن می‌فرماید:

«اگر خداوند بعضی از مردم را به بعضی دفع نمی‌کرد، البته زمین به فساد کشیده می‌شد ...» (۱) حال آن مردمی که عامل فساد می‌شوند و آن مردمی که فساد را دفع می‌کنند، این‌ها منشأ نفع و ضرری نیستند؟

.۱۰ ما انسان‌ها درک می‌کنیم و در قرآن هم توجه داده شده که کارهای خوب مانند انفاق باید انجام گردد، (۲) و از کارهای بد مانند فتنه و قتل (۳) و شرابخواری (۴) و قمار باید جلوگیری شود. آیا این‌ها موجب نفع و ضرری نخواهد بود؟ با مطالعه نوشته این نویسنده مغرض درمی‌یابیم که ظاهراً کسی به او مطالبی القا نموده و او هم بدون آن‌که بفهمد و بسنجد نوشته و پنداشته که دیگران هم بدون فکر می‌پذیرند. در صورتی که پذیرش بدون فکر و سنجیدن، مطابق منطق اسلام و قرآن نیست. قرآن می‌فرماید:

«مژده دهید، بندگان مرا، آنانکه سخن را می‌شنوند و سپس از بهترین آن تبعیت می‌کنند، آنانند که خدا هدایتشان نموده و آنانند که صاحبان عقل و خرداند.» (۵)

۱- بقره: ۲۵۱

۲- بقره: ۲۱۵

۳- بقره: ۲۱۷

۴- بقره: ۲۱۹

۵- زمر: ۱۸

ص: ۹۶

خلاصه سخن:

با توجه به همه آیات و روایات، درمی‌یابیم که خداونـد با قـدرت خود، عواملی قرار داده که در خدمت منافع و مصالح بندگان کار می‌کنند و البته که هیچ‌کس به طور مستقل نفع و ضرری نمی‌تواند برساند. (۱) والسّلام علی من اتبع الهدی

تهران- عباسعلی اختری

۱- ر. ك: به بحث شفاعت.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹